

ارائه مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول

دکتر محمد رضا یوسف زاده چوسری*

دکتر مرتضی شاه‌مرادی**

چکیده

این پژوهش با هدف ارائه مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول با رویکرد کیفی انجام شد. نمونه مورد مطالعه بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس قاعده رسیدن به حد اشباع در تحقیقات کیفی، با حضور ۱۴ نفر صاحب‌نظران حوزه برنامه‌ریزی درسی و تربیت سیاسی، ۹ نفر اعضا گروه تألیف کتاب‌های درسی و ۶ نفر از سرگروه‌های معلمان، صورت گرفت. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختاریافته می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیل محتوای مقوله‌ای و مضمون استفاده شد. نتایج نشان داد مبانی فلسفی برنامه‌درسی تربیت سیاسی رئالیسم اسلامی؛ نظریه مطلوب برنامه‌درسی، نظریه تحول‌گرا؛ ساختار مفهومی برنامه‌درسی تربیت سیاسی شامل عدالت، عزتمندی، قانونمداری، انتخاب، مسئولیت‌پذیری، شناسایی وظایف نهادهای سیاسی، مشارکت، میهن‌دوستی؛ ساختار سازمان‌دهی برنامه، تلفیقی (وحدت در درون یا دگر بنده) و ساختار نحوی برنامه‌درسی تربیت سیاسی تفسیری و انتقادی است. به دنبال این یافته‌ها کیفیت عناصر نه‌گانه مورد بررسی و تأیید صاحب‌نظران قرار گرفت و در نهایت نتایج نشان داد دروس مطالعات اجتماعی، فارسی، مهارت‌های نگارشی و فرهنگ و هنر از بیشترین پتانسیل برای پرداختن به برنامه‌درسی تربیت سیاسی در دوره متوسطه اول برخوردارند. در نتیجه می‌توان گفت که جامعیت و توجه به عناصر مؤثر برنامه‌درسی فوق‌الذکر می‌تواند به بهبود سطح دانش، نگرش و بینش سیاسی دانش‌آموزان متوسطه اول کمک کند.

واژگان کلیدی: برنامه‌درسی، تربیت سیاسی، متوسطه اول، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

* نویسنده مسئول: دانشیار برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران.....
Email: nimrooz@basu.ac.ir

** دکتری تخصصی رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران.....

مقدمه

انسان به‌عنوان موجودی چندبعدی دارای نیازها، گرایش‌ها و علایق مختلف علمی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و فردی می‌باشد و انتظار می‌رود نظام آموزشی توجه همسنگ و متوازنی به همه این ابعاد داشته باشد. تربیت دینی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، زیستی و جسمانی، هنری و زیبانشناختی، اقتصادی و در نهایت علمی و فناوری، ساحت‌های مختلف تربیتی هستند که ضرورت دارد در تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به آن‌ها توجه شود. تربیت اجتماعی و سیاسی به‌عنوان یکی از ابعاد مهم وجودی انسان است. تربیت سیاسی به‌عنوان بخش مهمی از ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی و بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متریان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. در این ساحت تربیتی بر ارتباط مناسب با دیگران (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همسایگان)، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی (رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش‌های اجتماعی)، کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی، بردباری، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت‌جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی، حفظ وحدت و تفاهم، توانایی‌های زبان ملی، محلی و جهانی تأکید شده است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰) مبانی امت واحده، خلافت‌اللهی انسان و هدایت و اصول آزادی توأم با مسئولیت؛ برابری خلقت؛ اعمال حاکمیت الهی؛ مسئولیت؛ آشنایی با حقوق فردی؛ عدالت؛ ظلم‌زدایی و نفی سلطه بیگانه و استبداد نمونه‌هایی از اهتمام به تربیت سیاسی از دیدگاه اسلامی است. (جراحی دربان، بابا زاده و رود مقدس، ۱۳۹۳). قانون مداری در حکومت، مردم‌گرایی، تقدم ارزش‌ها، صراحت در گفتار و رفتار و عدالت‌محوری برای تحقق اهداف الهی در سیره سیاسی حضرت علی (ع) نیز معرف اهتمام ویژه آن حضرت به تربیت سیاسی است (رهنما، سبحانی نژاد و علیین، ۱۳۸۷).

نظام آموزشی نقش مؤثری در تحولات اجتماعی و سیاسی دارد و می‌تواند متضمن بقا یا اضمحلال نظام سیاسی و اجتماعی باشد (Null, 2011). تربیت اجتماعی و سیاسی به توسعه توانمندی‌های شهروندی مربوط می‌شود و اهداف آن الزاماً در ارتباط با انتظارات

اعضای جوامع و ملت‌های خاص، فهمیده می‌شود؛ زیرا آن‌ها دانش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های همراه با مشارکت در زندگی جمعی یا مدنی را انتقال می‌دهند (محمدی پویا، صالحی و مومیوند، ۱۳۹۴). (Predescu & Darjan, 2010). معتقدند که امروزه مشارکت آزاد سیاسی و مشارکت فعالانه مردم در ابعاد گوناگون زندگی سیاسی امری اجتناب‌ناپذیر است. لذا درگیر ساختن دانش‌آموزان به شیوه‌ای معنی‌دار در مسائل اجتماعی با نگاه انتقادی عاملی مهم برای تربیت سیاسی آن‌ها می‌باشد (Mitchell and Coll, 2017). اپل (Apple)، فوکو (Foucault)، راگ (Rugg)، ویلس (Willis)، ژیرو (Giroux)، مک‌لارن (McLaren) و گودمن (Goodman) از مهم‌ترین نظریه‌پردازانی هستند که برنامه‌درسی را به‌عنوان یک متن سیاسی در نظر می‌گیرند. تربیت شهروندان مسئول و فعال در امور سیاسی و اجتماعی، یکی از عمده‌ترین مسائل و چالش‌های پیش روی نظام‌های آموزشی است (Smit and Oosthuizen, 2011). تعلیم و تربیت با ایجاد و توسعه مهارت‌های مربوط به بعد سیاسی، می‌تواند نقش به‌سزایی در افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی و کسب آگاهی‌های سیاسی دانش‌آموزان داشته باشد (Neundorf, Niemi and Smets, 2016). تربیت سیاسی یعنی تلاش در راه‌تربیت شهروندانی مسئول و وظیفه‌شناس و رشد دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های او برای حضور فعال همراه با اندیشه نقادانه در عرصه سیاسی ملی و جهانی (جراحی دربان و همکاران، ۱۳۹۳). تربیت سیاسی به اشکال مختلف نهادینه کردن کسب دانش سیاسی در چارچوب آموزش‌های رسمی و غیررسمی اشاره دارد که می‌تواند به دو شکل رسمی و غیررسمی در مدارس و سایر سازمان‌ها و نهادها انجام شود (Thomas, 2005). در بعد رسمی تربیت سیاسی از طریق برنامه‌درسی و در قالب برنامه‌های تربیت‌معلم، آموزش و پرورش مبتنی بر حقوق بشر، حقوق سیاسی و اجتماعی و عمل‌فکورانه مبتنی بر پشتوانه نظری ممکن خواهد بود (Becker, Dewet and Van Vollenhoven, 2015). در بعد غیررسمی نهادها و سازمان‌های مختلف قرار دارند که نگرش‌ها، باورها و مبانی فکری سیاسی دانش‌آموزان را شکل می‌دهند (Almond and Verba, 2015).

در فرآیند تربیت سیاسی، تمامی عوامل و شرایط درونی و بیرونی نظام آموزشی نقش سازنده ایفا می‌کنند (Zhou, 2014) که مهم‌ترین هدف آن ارائه و ایجاد نظرگاه و بینشی منحصر به فرد در دانش‌آموزان با توجه به ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی جامعه خویش و احراز نقش مناسب در جامعه می‌باشد (Tu, 2011). ایجاد روحیه تفکر مستقل، پرورش

تفکر انتقادی (Sun, 2014)، ایجاد آگاهی و توسعه نگرش‌ها و باورهای مردم در مورد نظام سیاسی (Adamu, Evuti and Fadeyi, 2016). کمک به حل مشکلات سیاسی و اجتماعی (Chao, 2017)، بحث درباره امور حکومتی و اجتماعی (Dan, 2016)، درک مسائل سیاسی منطقه‌ای و جهانی (Zhang, 2015)، نقد و تجزیه و تحلیل وضعیت موجود و مشارکت در فرآیندهای گروهی (Qian, 2017) از مهم‌ترین اهداف برنامه‌درسی تربیت سیاسی است.

(Foucault, 2002) گفتمان را مجموعه قواعد، الگوها و معیارهایی می‌داند که در یک محدوده زمانی و مکانی ویژه، خود را بر افرادی که در محدوده آن قرار دارند، تحمیل می‌کند و انواع کنش‌های آنان را از آن رو که بر اساس قواعد و معیارهای آن دیدگاه از گفتمان صورت می‌گیرند، تحت تأثیر قرار می‌دهد (پاک‌مهر، امین‌خندقی، قندیلی و سعیدی رضوانی، ۱۳۹۶). گفتمان سیاسی برنامه‌درسی با نام صاحب‌نظرانی چون فریره (Freire)، رید (Reid) اپل (Apple)، ایلچ (Illich)، مک کوئین و (Mac Quinn) متفکران نظریه انتقادی عجین است. (Giroux, 2017) در صدد ارائه نوعی تعلیم و تربیت است که در آن گروه‌هایی که در حاشیه قرار گرفته‌اند را به متن می‌آورد. اندیشه انتقادی فریره با نقد وضعیت موجود بر نقش خرد و آگاهی به عنوان مبنای تحول و رهایی از سلطه تأکید می‌کند (فضلعلی‌زاده و باقرزاده خداهشهری، ۱۳۹۵). وی معلمان را به عنوان «کارگران فرهنگی»^۱ موظف به یاری‌رسانی به شاگردان در جهت‌گیری انتقادی می‌داند (حاج حسینی و مهران، ۱۳۹۰). در برنامه‌درسی ملی ایران نیز این گفتمان سیاسی برنامه‌درسی با تأکیداتی چون ترجیح منافع ملی بر منافع حزبی و گروهی؛ قانون‌مداری؛ توجه به آزادی مسئولانه؛ مشارکت اجتماعی و باور و التزام عملی به ولایت‌فقیه مورد توجه واقع شده است (یوسف‌زاده چوسری، ۱۳۹۶).

ارائه الگوی برنامه‌درسی پیرامون موضوعات مختلف تربیتی و تحقق انواع تربیت‌ها و ام‌دار فلسفه مسلط اجتماعی و به عبارت بهتر فلسفه حاکم است. فلسفه مسلط به الگوی برنامه‌درسی و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری جهت می‌دهد و سمت‌وسو، جهت‌گیری و ماهیت عناصر الگوی برنامه‌درسی را تعیین می‌کند و به عناصر هویت یک پارچه می‌بخشد (یوسف‌زاده چوسری، ۱۳۹۶). در جامعه اسلامی ایران برای تعیین مبانی اساسی تربیت و به خصوص مبنای فلسفی باید بر دیدگاه اسلامی تکیه نموده و به این منظور لازم است حتی الامکان از تعالیم بنیادی اسلام و معارف اصیل اسلامی بهره‌مند شد و در موضوعاتی

که مستقیماً به هدایت دینی مربوط نیستند و متون دینی، با توجه به توانایی عقلانی بشر، به آن‌ها نپرداخته‌اند، باید به سراغ اندیشه و تفکر استدلالی بشر رفته و به‌خصوص با توجه به هماهنگی یافته‌های عقل برهانی با داده‌های وحی، می‌توان از دستاوردهای دانش فلسفه با رویکرد اسلامی به‌ویژه از پیروان حکمت متعالیه صدرایی بهره برد، که بنا بر شواهد معتبر، این یافته‌های عقلانی در عین تکیه بر برهان و استدلال، از مفاد تعالیم اسلامی الهام گرفته‌اند و یا با مضامین آن‌ها هماهنگ هستند (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). با توجه به این تأکیدات که در مبانی نظری سند تحول بنیادین بیان شده است می‌توان گفت که فلسفه حاکم بر نظام تعلیم و تربیت کشور فلسفه رئالیسم اسلامی است که برای ارائه الگوی برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید به تأکیدات اصلی این مبنا توجه شود.

از منظر رئالیسم اسلامی برای تربیت سیاسی مبانی، اصول و روش‌های خاصی بیان شده است. مردم‌سالاری دینی، انتخاب، حضور آگاهانه مردم و کمک به حیات طیبه از مهم‌ترین تأکیدات مبانی نظری سند تحول بنیادین در بعد تربیت سیاسی بر اساس آموزه‌های اسلامی است (دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). در مبانی نظری سند تحول بنیادین نیز جهت‌گیری تربیت سیاسی، تربیت برای عضویت فضیلت مدارانه در خانواده صالح و جامعه صالح بیان شده که به‌کارگیری واژه فضیلت مدار در این رویکرد حاکی از اهمیت توجه به مباحث ارزشی و اخلاقی و لحاظ کردن آن‌ها در این نوع تربیت می‌باشد (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). در این سند بر اساس آموزه‌های اسلامی بر تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی، رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، پاسداشت ارزش‌ها، وفاق و همدلی، درک و فهم اجتماعی، مسالمت‌جویی، درک و فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی، حفظ وحدت و تفاهم ملی در تربیت سیاسی تأکید شده و این ساحت هرگونه استبداد و دیکتاتوری را نفی می‌کند و درک و فهم را منحصر به خود نمی‌داند بلکه برای تمام انسان‌ها احترام قائل است (وفایی، فضل‌الهی قمشی و طالع‌فرد، ۱۳۹۶). تربیت سیاسی در اسلام به‌معنای تربیت انسان‌هایی است که در تمامی رفتارها و اقدامات اجتماعی و سیاسی آن‌ها توحید و صفات الهی نمایان است (داودی و فاضلی دهکردی، ۱۳۹۴) و تربیت انسان‌ها بر اساس معیارها و اصول اخلاقی است؛ تربیت شهروندانی است که وظایف سیاسی و دینی خود را بشناسند و به آن پای‌بند باشند. در این نگاه، تربیت سیاسی

به دنبال تربیت کارگزارانی است که مهارت تدبیر جامعه را بر اساس آموزه‌های دین اسلام به دست آورند و آن را اجرا کنند (مسعودیان و بهشتی، ۱۳۹۱).

تربیت سیاسی از منظر اسلام، هم در معنای کلی آن و هم در بعد اجتماعی و سیاسی و در نهایت و بدایت، آن نوع تربیتی است که دارای جهت‌گیری مذهبی و الهی باشد و همین‌طور از طرفی آزادانه، آگاهانه و ارادی باشد؛ چرا که قرآن کریم به صراحت پیروی کورکورانه از مسائل را نفی می‌کند (افتخاری و مهجور، ۱۳۹۵). از دیدگاه اسلام در تربیت سیاسی، علاوه بر تأکید بر انتقال ارزش‌های سیاسی مذهبی و ایجاد دل‌بستگی و وابستگی (فکری، نگرشی و عملی) آزادانه و آگاهانه نسل نو به ارزش‌ها و نظام سیاسی جامعه، بایستی آمادگی و قابلیت ایجاد تغییرات اصلاحی و بنیادی سیاسی اجتماعی را به‌عنوان مسئولیت متقابل فرد در مقابل نظام سیاسی در فراگیران ایجاد شود (مرزوقی، ۱۳۸۴). تربیت سیاسی در اسلام به پرورش معنوی و باطنی انسان‌های آزاده و با اراده نظر دارد که نه تنها در نحوه سازمان‌دهی زندگی دنیوی، بلکه مصالح و سعادت اخروی را فراهم می‌کند. در دوران معاصر نیز متفکران اسلامی با مفروض و بدیهی دانستن قدرت به‌عنوان موضوع سیاست به دنبال نوعی مشروعیت قدرت در متون دینی هستند که صرفاً محسوس و مادی است و آنچه در متون دینی حائز اهمیت است، تربیت است که بر اساس جهان‌بینی اسلامی سیاست مترادف تربیت و حرکت به سمت کمال در نظر گرفته می‌شود (احمدی، عصاره، احمدی طباطبایی و امینی زرین، ۱۳۹۷). در نگاهی کلی می‌توان چنین استنتاج کرد که اسلام توسعه همه‌جانبه جامعه را در گرو اخلاق‌مندی جامعه می‌داند و به این صورت به فرهنگ و اخلاق به‌عنوان عاملی مؤثر و زیربنایی در زمینه سیاست و تربیت سیاسی تأکید می‌کند (احمدی، عصاره، امینی زرین، ۱۳۹۷). به بیانی دیگر تربیت سیاسی در اسلام ابزاری برای شکوفاسازی استعدادهای سیاسی دانش‌آموزان و پرورش ارزش‌های دینی آنان است و هدف آن، تربیت انسان‌هایی است که خود را در برابر خدا و خلق خدا مسئول بدانند (جعفری هرنندی و نجفی، ۱۳۹۸).

در زمینه تربیت سیاسی و برنامه‌درسی تربیت سیاسی پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است. بذرگر و شهریاری (۱۳۹۹) به این نتیجه رسیدند دانش‌آموزان باید به واسطه نظام آموزشی و تربیتی اجتماعی - سیاسی، بتوانند از نقش خود، آگاهی یافته به آن ارج نهند و نیز مشارکتی فعال در سطح ملی داشته باشند. طباطبایی (۱۳۹۷) در پژوهشی که با هدف

بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت سیاسی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی انجام شد به این نتیجه رسید که مؤلفه خودشناسی ۹۶ مرتبه، مؤلفه آگاهی ۹۱ مرتبه، مؤلفه استقلال ۸۳ مرتبه، مؤلفه عدالت ۳۵ مرتبه و مؤلفه آزادی ۲۱ مرتبه، مورد توجه قرار گرفته است. سبحانی نژاد، نجفی و نورآبادی (۱۳۹۶) دریافتند که مؤلفه‌هایی برنامه‌درسی تربیت سیاسی مورد توجه در سند تحول بنیادین شامل ابراز عشق به سرزمین، فداکردن جان و مال فردی برای وطن، پرهیز از اخلاق سیاسی کاری دنیا مدارانه، سعه صدر در برابر مخالفت‌ها، صلح ورزی، ظلم‌ستیزی، حرکت در راستای عدالت در روابط دولت و ملت و پایداری در نظم اجتماعی می‌باشد. یوسف‌زاده چوسری (۱۳۹۶) به این نتیجه رسید بر اساس نظریه‌های سیاسی نوین در برنامه‌درسی باید، سواد و آگاهی‌های اجتماعی، ترغیب سواد انتقادی، کشف لایه‌های زیرین و پوشیده برنامه‌درسی، انتخاب، آزادی و رهایی از ساختارهای ستم‌تحمیلی مورد توجه قرار گیرد. حمیدزاده، ملکی و بهشتی (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند که تصمیمات اساسی در برنامه‌درسی تربیت سیاسی اسلامی، باید حجت و دلایل خود را از مبانی حق، فطرت، تعقل، هدایت و رحمت اتخاذ کنند. افتخاری و مهجور (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیدند که بر اساس اندیشه شهید مطهری (ره) تربیت سیاسی در اسلام دارای رویکرد چندعاملی یا تعاملی است و سه پایه اصلی تربیت سیاسی در اسلام حکومت، خانواده و عالمان دینی هستند که تربیت سیاسی در تعامل این سه عامل با یکدیگر و ایفای نقش صحیح هر یک محقق خواهد شد. محمدجانی، سعادت‌مند و کشتی‌آرای (۱۳۹۲) دریافتند که در محتوای کتاب‌های درسی دوره به آموزش صلح و برابری کمترین توجه شده است. شمس‌الدینی نژاد (۱۳۹۱) به این نتیجه رسید بین نظرات دبیران و مدیران در خصوص میزان موفقیت ابعاد تربیت شهروندی در آموزش و پرورش تفاوت وجود ندارد. نادری و ابراهیمی (۱۳۹۱) نشان دادند که دانش‌آموزان درباره مسائل سیاسی شناخت کافی را ابراز ننموده‌اند. سلحشوری، یداللهی فر و خنکدار طارسی (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که عمده‌ترین مبانی تربیت سیاسی از منظر امام خمینی توحیدمحوری، فطرت، تزکیه محوری، زمینه‌های بوده و هم‌چنین مؤلفه‌های تربیت سیاسی از منظر ایشان آگاهی، خودشناسی، آزادی، استقلال، عدالت می‌باشد. مسعودیان و بهشتی (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند مهم‌ترین اهداف تربیت سیاسی بر مبنای نهج‌البلاغه شامل رساندن انسان به آزاداندیشی، ایجاد امنیت و صلح، پرورش روح عدالت‌خواهی و توسعه آموزش و پرورش بوده و مهم‌ترین

اصول تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه صداقت، مسئولیت سیاسی، شایسته سالاری، حق مداری، وفای به عهد، مدارا، ظلم ستیزی و وحدت است.

اوناتس، آگوز و ایلدیریم (Ontas, Eguz and Yildirim, 2020) به این نتیجه رسیدند که برخی از معلمان از بحث در مورد مفاهیم تعاریف و فرآیندهای سیاسی و تربیت سیاسی در کلاس‌ها خودداری می‌کنند، حال آن‌که مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ملی و بین‌المللی در کلاس درس تأثیرگذار بوده و هست. گوآن (Guan) (2019) به این نتیجه رسید ادغام فرهنگ سنتی در تربیت سیاسی نه تنها می‌تواند فرهنگ سنتی را منتقل کند بلکه به تعمیق محتوای تربیت سیاسی نیز کمک کرده و باعث بهبود اثربخشی و بهبود کیفیت تربیت سیاسی می‌شود. دیل و الیوت (Dill and Elliot) (2019) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند دانش‌آموزانی که از آموزش‌های آزاد و دموکراتیک در خانواده و مدرسه برخوردارند و متأثر از پدگوژی غالب نیستند، در زمینه مؤلفه‌های تربیت سیاسی از وضعیت مطلوبی برخوردار بودند. ژو و لی (Xu & Li) (2017) دریافتند هدف تربیت سیاسی کمک به دانش‌آموزان در جهت بهبود کیفیت دیدگاه‌های سیاسی خود و بهبود توانایی درک و تغییر جهان است. چاو (Chao) (2017) نشان داد تربیت سیاسی از طریق کارکرد آن در کنترل اجتماعی در زمینه کاهش حوادث نقش تأثیرگذاری دارد. لی (Li) (2017) دریافت که تربیت ایدئولوژیک و سیاسی مدرن به تدریج به سمت اجرای تدریس گفت‌وگو محور در حال حرکت است. دن (dan) (2016)، معتقد است که گفتمان ایدئولوژیک بر مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی، افشای نگرش سیاسی و بیان دیدگاه‌ها و ارزش‌های سیاسی تأکید دارد. ووچنگ، لینگ، کینگادو و فن (Wucheng, Ling, Qingdao & Fan) (2016) به این نتیجه رسیدند که برای بهبود تربیت سیاسی و ایدئولوژیک باید ایده‌های آموزشی تغییر کند. نیلگون، سوزر و بورچ (Nilgun, Sozer & Burcu) (2015) ضمن تأکید بر برداشت‌های متفاوت و بعضاً اشتباه درباره تربیت سیاسی، پیشنهاد می‌کند که تربیت سیاسی باید در برنامه‌های متجلی گردد. فورنیر سیلوستر (Fournier- Sylvester) (2014) دریافت که برنامه‌دستی بدون درک روشن از مفهوم شهروندی به عنوان کانون اصلی تربیت سیاسی و شهروندی، نمی‌تواند به توسعه مدنی و تغییر اجتماعی کمک کند. ژانگ (Zhang, 2015) به این نتیجه رسیدند که در عصر مدرن، محتوای برنامه‌دستی تربیت سیاسی باید چالش برانگیز و انتقادی باشد.

دوره متوسطه اول به عنوان یکی از مهم‌ترین دوران تحصیلی نقش به‌سزایی در تربیت

دانش‌آموزان دارد، چراکه نوجوانی یکی از مراحل مهم و برجسته رشد و تکامل اجتماعی و روانی فرد به‌شمار می‌رود. در این دوره نیاز به درک ارزش وجودی خویشتن، خودآگاهی، انتخاب هدف‌های واقعی در زندگی، استقلال، برقراری روابط سالم با دیگران و کسب مهارت‌های اجتماعی لازم، از مهم‌ترین نیازهای نوجوان به‌شمار می‌روند. این قشر با فاصله‌ای نسبتاً کوتاه جایگزین نسل پیشین خود شده و امور گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشور را در دست خواهند گرفت لذا فراهم کردن زمینه‌های رشد مناسب و مطلوب، به‌خصوص در بعد سیاسی و اجتماعی برای آن‌ها و جامعه ضروری است (کریمی و فکری، ۱۳۹۲). تحقق اهداف مذکور در نظام آموزشی بدون بهره‌جستن از مبانی نظری امکان‌پذیر نیست. در این راستا باید به مسائل بومی و فرهنگی جامعه هدف نیز توجه جدی داشت؛ چرا که تربیت سیاسی بر اساس محیط و پارادایم غالب در جامعه می‌تواند حالت‌های متفاوتی داشته باشد (Yu, 2017). نظریه برنامه‌درسی تربیت سیاسی با پیش‌بینی سازوکارهای لازم و انسجام بخشیدن به ساختارها، رویه‌ها و عناصر برنامه‌درسی باید منجر به شکل‌گیری هویت سیاسی شود (Olson, Fejes, Dahlstedt and Nicoll, 2014).

وجود یک مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی ضمن اینکه سطح آگاهی‌های سیاسی وایدئولوژیکی، ابعاد مختلف تفکر و کیفیت فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول را بهبود می‌بخشد، با مجهز ساختن دانش‌آموزان با مؤلفه‌های بسیار مهمی همچون استقلال و تمامیت ارضی، تفکر انتقادی، آزادی، عزت، مسئولیت‌پذیری، آن‌ها را به شهروندانی فعال و آگاه تبدیل می‌کند که این مسائل به پویایی و بهبود اوضاع اجتماعی و سیاسی جامعه کمک می‌کند. همان‌گونه که بیان شد مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی می‌تواند به مشارکت و همراهی هرچه بیشتر مردم در کنار مسئولین برای تحقق اهداف فردی و اجتماعی کمک کند و با توجه به عدم مدل‌پردازی در زمینه تربیت سیاسی برای دوره متوسطه اول و اهمیت برنامه‌درسی تربیت سیاسی، مسئله اصلی پژوهش این است که مدل مطلوب برنامه‌درسی تربیت سیاسی بر مبنای ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول چیست؟ مدلی که با بررسی وضع موجود، آگاهی از نیازها، شرایط و مسائل بومی تعلیم و تربیت و با محوریت ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین،

در صدد معرفی مبانی فلسفی تربیت سیاسی، نظریه برنامه‌درسی متناسب با تربیت سیاسی، ساختار تربیت سیاسی باشد (از منظر شوآب به نقل از مشایخ (۱۳۹۸) یک برنامه‌درسی و حوزه علمی دارای سه ساختار مفهومی، سازمان‌دهی و ساختار نحوی است. منظور از ساختار مفهومی مباحث بنیادین و اساسی یک حوزه است که آن را از یک حوزه یا قلمرو علمی دیگر متمایز می‌سازد، منظور از ساختار سازمان‌دهی، شیوه چیدمان مفاهیم اساسی یک رشته است که شیوه‌های مختلفی برای سازمان‌دهی مفاهیم و محتوی وجود دارد و منظور از ساختار نحوی، شیوه پژوهش یا کاوش در مفاهیم علمی است که مفاهیم مختلف به شیوه‌های مختلف قابل پژوهش هستند). در این مدل ماهیت عناصر برنامه‌درسی تربیت سیاسی بر اساس دیدگاه کلاین (Klein) شامل هدف، محتوی، راهبردهای یاددهی یادگیری، فعالیت‌های یادگیری، گروه‌بندی، مواد و منابع آموزشی، زمان، فضا و ارزشیابی بوده که از شمول و جامعیت بیشتری نسبت به سایر دیدگاه‌ها در زمینه عناصر برنامه‌درسی برخوردار است. دروس مهم در تربیت سیاسی شامل مطالعات اجتماعی، فرهنگ و هنر، فارسی و مهارت‌های نوشتاری است که بر اساس مبانی نظری و پیشینه (رضوی، ۱۳۸۹) از ظرفیت و پتانسیل بیشتری برای تربیت سیاسی برخوردارند مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس این پژوهش در صدد پاسخ دادن به سؤالات زیر می‌باشد:

- مبانی فلسفی مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی دوره متوسطه اول بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چیست؟
- نظریه برنامه‌درسی تربیت سیاسی بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دوره متوسطه اول چیست؟
- ساختار (مفهومی، سازمان‌دهی و نحوی) برنامه‌درسی تربیت سیاسی بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دوره متوسطه اول چگونه است؟
- ماهیت و ویژگی‌های عناصر ۹ گانه برنامه‌درسی تربیت سیاسی بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چگونه باید باشد؟
- درس‌های مورد توجه در برنامه‌درسی تربیت سیاسی ایران بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کدامند؟

روش پژوهش

رویکرد پژوهش کیفی است و برای پاسخ به سؤالات پژوهش مصاحبه انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل اعضا گروه تألیف کتاب‌های درسی دوره متوسطه اول (اعضا گروه تألیف کتاب‌های درسی فرهنگ و هنر، مطالعات اجتماعی، ادبیات فارسی و آموزش مهارت‌های نوشتاری) با تعداد ۲۷ نفر، اعضا هیئت علمی رشته برنامه‌ریزی درسی و علوم سیاسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران با تعداد ۳۱ نفر و سرگروه‌های معلمان آموزش و پرورش شهر تهران با تعداد ۲۸ نفر (به دلیل اینکه سرگروه‌های معلمان از بین معلمان انتخاب می‌شوند که دارای بالاترین مدرک تحصیلی هستند، نسبت به سایر معلمان با سابقه‌تر و مجرب‌تر هستند، برای سایر معلمان پیرامون محتوی و شیوه‌های آموزشی درس مورد تدریس دوره‌های دانش‌افزایی و بازآموزی برگزار می‌کنند، حلقه رابط بین معلمان استان با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی بوده و در نظرخواهی‌های سازمان پیرامون مواد درسی و سطوح مختلف برنامه حضور فعال دارند و هم‌چنین از مشکلات اجرایی و دغدغه‌های دانش‌آموزان اطلاعات صریح و بی‌واسطه دارند) می‌باشد. نمونه مورد مطالعه بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۰) انتخاب شده و حجم نمونه بر اساس قاعده رسیدن به حد اشباع در تحقیقات کیفی تعیین شد که با ۱۴ نفر متخصص (۱۱ نفر متخصص برنامه‌ریزی درسی و ۳ نفر متخصص علوم سیاسی) و ۹ نفر از اعضا گروه تألیف و ۶ نفر معلم مصاحبه شد. دلیل انتخاب این افراد به عنوان نمونه پژوهش، تجربیات و فعالیت‌های افراد در زمینه تربیت سیاسی، تخصص آن‌ها در زمینه تربیت سیاسی و مؤلفه‌های مرتبط به آن و انجام پژوهش‌هایی در این زمینه بود که به شکلی هدفمند انتخاب شدند. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه نیمه ساختاریافته دارای ۵ سؤال اصلی بود درباره عناصر ۹ گانه کلاین بود و به ۹ بخش تقسیم می‌شد. این مصاحبه‌ها با حضور پژوهش‌گر انجام شده و ضمن یادداشت‌برداری با اجازه پاسخ‌دهندگان، صدای آن‌ها نیز ضبط شده و در موارد ضروری پژوهش‌گر توضیحات لازم را درباره سؤالات ارائه می‌کرد. هر مصاحبه نیز حدود ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید. برای تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از اجرای مصاحبه‌ها نیز از کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد که در جدول شماره ۱ روش، جامعه، نمونه و روش تحلیل یافته‌ها به تفکیک سؤالات پژوهش ارائه شده است. برای تعیین اعتبار مدل نیز از روش CVR استفاده شد و توافق ۹۲/۲ بین متخصصان حاصل شد که در جدول شماره ۲ ضریب توافق متخصصان برای مدل بیان می‌گردد.

جدول ۱. خلاصه روش‌شناسی پژوهش

ردیف	شماره سؤال	جامعه آماری	نمونه پژوهش	ملاک انتخاب به‌عنوان جامعه و نمونه	ابزار پژوهش و ساختار آن	روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها
۱	سؤال ۱	۱. اعضا گروه تألیف کتاب‌های درسی فرهنگ و هنر، مطالعات اجتماعی، ادبیات فارسی و آموزش مهارت‌های (۲۷ نفر)	۱. ۹ نفر اعضا گروه تألیف	۱. اعضا گروه تألیف این درس به دلیل اینکه بر اساس مبانی نظری این درس از ظرفیت بیشتری برای اهتمام به تربیت سیاسی برخوردار بودند	مصاحبه نیمه ساختاریافته دارای ۵ سؤال اصلی. انجام مصاحبه‌ها توسط پژوهش‌گر. یادداشت برداری و ضبط صدای مشارکت کنندگان. هر مصاحبه نیز حدود ۴۵ تا ۶۰ دقیقه به طول انجامید.	تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از اجرای مصاحبه‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی
	سؤال ۲	۲. اعضا هیئت علمی رشته برنامه‌ریزی درسی و علوم سیاسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران (۳۱ نفر)	۲. ۱۴ نفر متخصص (۱۱ نفر متخصص برنامه‌ریزی درسی و ۳ نفر متخصص علوم سیاسی)	۲. تخصص در زمینه موضوع پژوهش		
	سؤال ۳	۳. سرگروه‌های درسی معلمان درس فرهنگ و هنر، مطالعات اجتماعی، ادبیات فارسی و آموزش مهارت‌های نوشتاری آموزش و پرورش شهر تهران (۲۸ نفر)	۳. ۶ نفر معلم	۳. سرگروه‌های معلمان نسبت به سایر معلمان: <ul style="list-style-type: none"> ● مدرک تحصیلی بالاتر ● سابقه بیشتر تدریس دوره‌های دانش‌افزایی و بازآموزی برای سایر معلمان ● حلقه رابط بین معلمان استان با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی ● آگاهی از مشکلات اجرایی و دغدغه‌های دانش‌آموزان 		
	سؤال ۴					
	سؤال ۵					
	سؤال ۶					

جدول شماره ۲. ضریب توافق متخصصان به‌منظور

اعتبار سنجی مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی

ردیف	بعد مدل	ضریب توافق
۱	مبانی فلسفی مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی	۸۶
۲	نظریه مطلوب برنامه‌درسی تربیت سیاسی	۹۱
۳	ساختار موضوعی برنامه‌درسی تربیت سیاسی	۹۲
۴	عناصر برنامه‌درسی برنامه‌درسی تربیت سیاسی	۱۰۰
۵	درس مدنظر برنامه‌درسی تربیت سیاسی	۹۵
مجموع		۹۲/۲۰

یافته‌ها

■ سؤال ۱: مبانی فلسفی مدل برنامه درسی تربیت سیاسی دوره متوسطه اول ایران بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چیست؟

جدول ۳. مبانی فلسفی مدل برنامه درسی تربیت سیاسی دوره متوسطه اول بر اساس مصاحبه با متخصصان

مبانی ۴ گانه	تأکیدات	مصادیق مصاحبه‌ها	
هستی‌شناسی	اعتقاد به وجود حق تعالی	● برتر از همه واقعیت‌ها و حقیقت‌ها وجود خداوند است که سرچشمه هر چیزی است (کد ۹)	
	اعتقاد به قیامت و معاد	● در تربیت سیاسی اسلامی باید در تربیت انسان‌ها توجه آن‌ها را به جهان آخرت و بحث معاد معطوف کرد تا در مواقع حساس و تنگناها، از انحرافات جلوگیری شود (کد ۲)	
	اعتقاد به عدالت در هستی	● در تربیت سیاسی که عدالت یکی از مهم‌ترین تأکیدات آن‌ها است، باید به بحث عدالت در آفرینش جهان نیز توجه کرد (کد ۷)	
انسان‌شناسی	تأکید بر عزت و کرامت دانش‌آموز و قدرت انتخاب و اختیار او	● در برنامه درسی تربیت سیاسی باید انسان به حکم انسان بودن مورد تکریم واقع شود (۸) در تربیت سیاسی باید توان تصمیم‌گیری دانش‌موزان محترم شمرده شود (۹) تربیت سیاسی باید آزادی‌اندیشه و استدلال را ترغیب نماید (۶)	
	تأکید بر قوه انتخاب و اختیار انسان	● از موارد مهمی که در تربیت سیاسی به آن توجه شده بحث انتخاب و آزادی انسان است که در تربیت اسلامی نیز از مباحث مهم و مورد تأکید تربیت اسلامی است (کد ۱۴)	
رئالیسم اسلامی	واقعیت خارج از ذهن	● در تعلیم و تربیت اسلامی واقعیت‌ها وجود خارجی دارند (کد ۱۲) ● حساسیت نسبت به محیط پیرامون و بی تفاوت نبودن در قبال مسائل نیازمند شناخت جامع‌الاطراف حقایق است (کد ۹) ● تعقل و تأمل در طبیعت می‌تواند اسرار زیادی را برای انسان فاش نماید (کد ۸)	
	تأکید بر معرفت معتبر و اصیل	● با توجه به اهمیت آگاهی، بصیرت و تفکر انتقادی در تربیت سیاسی انتظار می‌رود از ارائه اطلاعات نادرست، مبهم و تحریف شده اجتناب نمود (کد ۱۱)	
	معرفت‌شناسی	لزوم ارتباط بین مکتب فلسفی و برنامه درسی تربیت سیاسی	● برنامه درسی تربیت سیاسی با مفاهیمی مثل تفکر انتقادی، آزادی، استقلال و دموکراسی عجین شده و حتماً مبنای فلسفی ما هم باید عقل‌گرا و بومی باشد. شاید رئالیسم اسلامی می‌تواند بهترین مبنا باشد هرچند شاید بشود از مکاتب دیگر هم استفاده کرد (کد ۶)
		قابل شناخت بودن معرفت با تأکید بر عقل	● عقل و تفکر یکی از مهم‌ترین ابزارهای شناخت و کسب معرفت می‌باشد (کد ۹) از طریق تجربه می‌توان نسبت به برخی از پدیده‌ها شناخت مستقیم و بی‌واسطه به دست آورد (کد ۱۲)

مبانی فلسفی مدل برنامه درسی تربیت سیاسی

جدول ۲. (ادامه)

مصادیق مصاحبه‌ها	تأکیدات	مبانی ۴ گانه
<ul style="list-style-type: none"> تقلید و گزینش مکاتب غربی برای تعلیم و تربیت کشورایران و به‌خصوص برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی مناسب نبوده و باید رویکرد فلسفی ما در عین واقع‌گرایی و مطابقت با مسائل علمی با مبانی دینی و مذهبی ما نیز هم‌خوانی داشته باشد (کد ۳) 	توجه به ارزش‌های فرهنگی و دینی	ارزش‌شناسی رئالیسم اسلامی مبانی فلسفی مدل برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی
<ul style="list-style-type: none"> ارزش‌ها از مهم‌ترین موارد در مبانی فلسفی هستند، به نظر من بخشی از ارزش‌ها ثابت هستند و برخی هم متغیر و نمی‌شود از ارزش‌های کاملاً نسبی یا کاملاً ثابت صحت کرد (کد ۱۵) 	وجود ارزش‌هایی ثابت و متغیر	
<ul style="list-style-type: none"> یکی از مهم‌ترین مسائل ارزشی در تربیت اسلامی بحث امر به معروف و نهی از منکر است که از پتانسیل بالایی برای کاربرد در تربیت‌سیاسی برخوردار است (کد ۵). در بسیاری از موارد اهداف تربیت‌سیاسی با امر به معروف هم‌خوانی بالایی دارد (کد ۱۱) 	تأکید بر ارزش امر به معروف و نهی از منکر	
<ul style="list-style-type: none"> بر اساس فلسفه اسلامی و آیات و روایات باید شهروندان ضمن علاقه به کشور خود همواره در برابر دشمنان آماده بوده و از وطن خود دفاع کنند (کد ۱۴) 	تأکید بر ارزش‌هایی مانند حفظ تمامیت ارضی، استقلال و وطن‌دوستی، ایثار و جهاد	

تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها در جدول (۳) نشان داد که از نظر متخصصان مبانی فلسفی مدل برنامه‌درسی سیاسی باید بر مبنای هستی‌شناسی، اعتقاد به وجود حق تعالی، اعتقاد به قیامت و معاد، اعتقاد به عدالت در هستی، بر مبنای انسان‌شناسی بر عزت و کرامت دانش‌آموزان، عدم تبعیض بین گروه‌های مختلف دانش‌آموزی، قوه انتخاب و اختیار انسان، بر مبانی معرفت‌شناسی بر وجود واقعیت خارج از ذهن، قابل شناخت بودن معرفت با تأکید بر عقل، لزوم ارتباط بین مکاتب فلسفی و برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی و معرفت معتبر و اصیل و بر اساس ارزش‌شناسی تیز باید به مواردی همچون توجه به ارزش‌های فرهنگی و دینی ارزش‌هایی مانند حفظ تمامیت ارضی، استقلال و وطن‌دوستی، ایثار و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر تأکید نماید.

■ **سؤال ۲:** نظریه برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دوره متوسطه اول چیست؟

جدول ۴. نظریه مدل برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی دوره متوسطه اول بر اساس مصاحبه با متخصصان

نظریه	تأکیدات	مصادیق مصاحبه‌ها
تغییر گرا (با تأکید بر ارزش‌های دینی و فرهنگی نظریه مطلوب برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی	تربیت دانش‌آموزانی منتقد و مستقل	● مهم‌ترین هدف تعلیم و تربیت، تربیت شهروند خوب است یعنی دانش‌آموزی که منتقد باشد و مستقل. اگر چنین انسان‌هایی تربیت کنیم به نظم مدرسه موفق است (کد ۱۲). روح انتقاد باید در عمل و در رفتارهای دانش‌آموزان باید جاری باشد (کد ۷).
	تأکید بر آگاهی و عمل آگاهانه	● شاید ضروری‌ترین نیاز جامعه، افزایش آگاهی است. به نظر من نظریه‌های سنتی و محافظه‌کارانه مناسب نیستند و نظریه‌های پست‌مدرن و انتقادی می‌توانند کمک کنند (کد ۱۷).
	قدرت بخشیدن و توانمندسازی دانش‌آموزان	● نظریه‌ای خوب است که آدم‌ها را قوی کند. در تعلیم و تربیت نظریه‌ای مطلوب است که به دانش‌آموزان قدرت بدهد (کد ۹). غایت باید مشارکت همه‌جانبه دانش‌آموزان در مسائل سیاسی و اجتماعی باشد و برای این کار، نیاز است که دانش‌آموزان مهارت‌ها و ابزارهای لازم را داشته باشند به عبارتی توانمند و قدرتمند باشند، همان چیزی که فوکو می‌گوید (کد ۱).
	توجه به حقوق شهروندی و مسئولیت اجتماعی	● یکی از کارکردهای تربیت‌سیاسی باید آشنا کردن دانش‌آموزان با حقوق و مسئولیت‌های خودشان باشد (کد ۳) خیلی از شهروندان و دانش‌آموزان با حقوق شهروندی خودشان آشنا نیستند و نمی‌دانند که چه وظایفی دارند، نظریه جدید باید بر این مسائل تأکید کند (کد ۲۱).
	لزوم انتقاد به وضعیت موجود و شناسایی آسیب‌ها به منظور بهبود	● برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی مطلوب در شرایط فعلی جامعه ما باید به وضع موجود با نگاه انتقادی نگاه کند تا بتواند به بهتر شدن اوضاع کمک کند، باید دنبال تغییر مطلوب باشیم (کد ۱۸). باید بین واقعیت و نظر ارتباط برقرار کنیم، آسیب‌هایی مثل عدم حساس مسئولیت، کم شدن ارزش‌های ملی و میهنی می‌تواند مضر باشد و باید نظریه جدید این‌ها رو ببیند (کد ۲۰).
	تأکید بر آزادی، دموکراسی، استقلال و تفکر انتقادی	● مفاهیمی مثل آزادی و دموکراسی جایش هم در جامعه و هم نظام آموزشی ما خالی است و اتفاقاً باید نظام آموزشی به این مفاهیم توجه کند (کد ۲۱). نظریه مطلوب برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی باید به دنبال تحقق دموکراسی، استقلال و تفکر انتقادی باشد (کد ۱۱).
	بازنگری در نقش مدرسه و ارتباط آن با جامعه حکومت	● ما به نظریه‌پردازی و نظریه‌ای نیاز داریم که بر اساس شرایط امروز بین‌المللی، ملی و بومی و هم‌چنین شرایط تربیتی و وضعیت دولت و حکومت، وظایف و رابطه متقابل این نهادها رو مشخص کند که دیدگاه ما برای این کار باید انتقادی و سازنده باشد (کد ۱۸).
	تأکید بر برنامه‌درسی پنهان	● دانش‌آموز تحت تأثیر مسائلی است که نظام آموزشی درباره آن‌ها برنامه‌ریزی نکرده که برنامه‌درسی پنهان است (کد ۲۱). نظریه مطلوب هم باید پیش‌بینی‌هایی درباره نقش برنامه‌درسی پنهان و کارکردهایش داشته باشد و سعی کند تا حد ممکن این قابلیت‌ها رو بشناسد (کد ۲).
	حذف برخی از بدعت‌ها و توجه به ارزش‌های فرهنگی و اسلامی	● امروزه در مسائل سیاسی بدعت‌هایی گذاشته می‌شود که نه غربی است نه اسلامی (کد ۱۶). ما باید به ارزش‌های فرهنگی و اسلامی خودمان که خیلی غنی هستند برگردیم و فقط در شعار آن‌ها رو بیان نکنیم. باید در قالب یک نظریه جامع با دید انتقادی به حذف بدعت‌ها و زواندی که برای مردم و کشور مضر هستند اقدام کنیم و نظریه‌ای داشته باشیم پیش‌رونده (کد ۵).

نظریه برنامه‌درسی تربیت سیاسی با پیش‌بینی سازوکارهای لازم و انسجام بخشیدن به ساختارها، رویه‌ها و عناصر برنامه‌درسی باید منجر به شکل‌گیری هویت سیاسی شود. بر اساس یافته‌های جدول (۴) نتایج نشان داد که نظریه تحولگرا (با تأکید بر ارزش‌ها دینی و فرهنگی)، نظریه مطلوب برنامه‌درسی سیاسی دوره متوسطه اول می‌باشد. نظریه مطلوب نظریه‌ای است که بر اساس شرایط و مقتضیات با نگاهی نقادانه به آسیب‌ها و مسائل موجود تدوین شده و به بهبود بعد سیاسی تربیتی دانش‌آموزان کمک می‌کند. این نظریه بر مفاهیمی همچون تربیت شهروندانی منتقد و مستقل، آگاهی و عمل آگاهانه، توانمندسازی و قدرت بخشیدن به دانش‌آموزان، حقوق شهروندی و آشنایی افراد با حقوق و مسئولیت‌ها، لزوم انتقاد به وضعیت موجود و شناسایی آسیب‌های برنامه‌درسی تربیت سیاسی، تأکید بر مفاهیمی همچون آزادی، دموکراسی، استقلال و تفکر انتقادی، بازنگری در نقش مدرسه و ارتباط آن با جامعه و حکومت، برنامه‌درسی پنهان، حذف برخی از بدعت‌ها و توجه به ارزش‌های فرهنگی و اسلامی، تأکید کند.

■ سؤال ۳: ساختار (مفهومی، سازمان‌دهی و نحوی) برنامه‌درسی تربیت سیاسی ایران بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش دوره متوسطه اول چگونه است؟

جدول ۵ ساختار (مفهومی، سازمان‌دهی و نحوی) برنامه‌درسی تربیت سیاسی دوره متوسطه اول بر اساس مصاحبه با متخصصان

مصاحبه‌ای مصاحبه‌ها	تأکیدات	ساختار
<ul style="list-style-type: none"> مفاهیمی مثل آزادی و یا آگاهی شاکله برنامه‌درسی تربیت سیاسی هستند (کد ۱۱) برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید به توسعه سیاسی و مشارکت همه‌جانبه توجه کند (کد ۳) آزادی، انتقاد، سلطه و مقاومت مهم‌ترین مفاهیم برنامه‌درسی تربیت سیاسی هستند (کد ۷). برنامه‌درسی باید با عزت و ظلم و ستیزی، انتقاد، دموکراسی و آزادی همراه باشد (کد ۶). برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید انسان‌هایی آزاد، عزتمند، مبارز، حق‌طلب و عادل تربیت کند (کد ۱۷). دانش‌آموزان باید زبان تعامل با جامعه و جهان را بلد باشند (کد ۱۹). مسئولیت‌پذیری و انتخابات از مهم‌ترین مؤلفه‌های برنامه‌درسی تربیت سیاسی است (کد ۵). توجه به مشارکت همه افراد در جامعه، وطن‌دوستی، قانون‌مداری، بصیرت و عمل توأم با آگاهی، بخشی از تأکیدات برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید باشد (کد ۴) 	<ul style="list-style-type: none"> استقلال و تمامیت ارضی، تفکر انتقادی، آزادی، عمل آگاهانه، بصیرت، تعامل بین فرهنگی، تفکر انتقادی، توسعه سیاسی، حق‌طلبی، دموکراسی، عدالت، عزتمندی، قانونمداری، انتخاب، مسئولیت‌پذیری، شناسایی وظایف نهادهای سیاسی، مشارکت، مقاومت و سلطه، میهن‌دوستی 	<p>ساختار رشته برنامه‌درسی تربیت سیاسی</p> <p>۳ فکر نظریه‌ای</p>

جدول ۵. (ادامه)

مصادیق مصاحبه‌ها	تأکیدات	ساختار
<p>• دروس علوم انسانی را باید به شکل تلفیقی و مخصوصاً تلفیق بین‌رشته‌ای سازمان‌دهی کرد (کد ۱۵). در تلفیق بین‌رشته‌ای مفاهیم و مطالب اصلی به شکلی مناسب و چندجانبه در ذهن دانش‌آموز نقش میبندد (کد ۱۸) اگر تلاش بشود که تلفیق در یادگیرندگان و در واقع ذهن آن‌ها صورت بگیرد بهترین نوع سازمان‌دهی انجام شده است (کد ۴)</p>	<p>• تلفیق بین‌رشته‌ای • تلفیق در یادگیرندگان (وحدت در آموخته‌ها)</p>	ساختار سازمان‌دهی
<p>• روش انتقادی که از روش‌های اصلی رویکرد کیفی است که می‌تواند در این زمینه کمک کننده باشد (کد ۳). مفاهیم، اصول و مؤلفه‌های برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید در ابتدا به شیوه مناسب توصیف و بررسی شوند تا ضمن شناخت انتقادی، این موارد اصلاح و به‌روز شوند (کد ۱۹). روش مناسب روش جامعه‌سنجی با نگاه انتقادی هست (کد ۸). کثرت‌گرایی جز ویژگی‌های اصلی پژوهش در برنامه‌درسی تربیت سیاسی باشد (کد ۲۱).</p>	<p>• روش تحلیلی توصیفی • روش تعبیری تفسیری • روش انتقادی رهایی‌بخش</p>	ساختار نحوی

۱۸۹

بر اساس یافته‌های جدول (۵) از نظر متخصصان برنامه‌درسی بحث ساختار مفهومی باید بر مفاهیم استقلال و تمامیت ارضی، تفکر انتقادی، آزادی، عمل آگاهانه، بصیرت، تعامل بین فرهنگی، تفکر انتقادی، توسعه سیاسی، حق‌طلبی و مبارزه با ظلم، دموکراسی، عدالت، عزتمندی، قانون‌مداری، قدرت انتخاب، مسئولیت‌پذیری، شناسایی وظایف نهادهای سیاسی، مشارکت همه‌جانبه، مقاومت و سلطه، میهن‌دوستی تأکید کند. در ساختار سازمان‌دهی بهترین شیوه بین‌رشته‌ای و تلفیق در یادگیرندگان (وحدت در آموخته‌ها) است. در ساختار نحوی نیز از منظر متخصصان سه روش تحلیلی - توصیفی، روش تعبیری - تفسیری و روش انتقادی رهایی‌بخش می‌باشد که روش انتقادی - رهایی‌بخش، مهم‌ترین شیوه پژوهش برای مسائل مربوط به برنامه‌درسی سیاسی است.

■ سؤال ۴: ماهیت و ویژگی‌های عناصر (عناصر ۹ گانه برنامه‌درسی کلاین)

برنامه‌درسی تربیت سیاسی ایران بر اساس ساخت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چگونه باید باشد؟

جدول ۶. ویژگی‌های عناصر مختلف برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی بر اساس مصاحبه با متخصصان

عناصر	ویژگی‌ها	مصادیق مصاحبه‌ها
اهداف	<ul style="list-style-type: none"> افزایش قدرت اصلاح، سواد سیاسی، عدالت اجتماعی، قدرت انتخاب، حس میهن‌دوستی، تأکید بر بیدارگری و آگاه‌سازی، قانون‌مداری، مسئولیت‌پذیری، استقلال تفکر انتقادی، جرات‌مندی و توانمندسازی، حق‌طلبی، بصیرت و تدبیر، آزادی و آزادگی و مشارکت همه‌جانبه 	<ul style="list-style-type: none"> برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی باید سطح سیاسی و بیش‌سیاسی دانش‌آموزان را بهبود ببخشد، باید این نوع تربیت آگاهی‌بخش باشد (کد ۱۹) در برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی ما باید قانون‌مداری را اصل قرار بدهیم و دانش‌آموزانی آزاد تربیت کنیم (کد ۱). مدرسه باید به دنبال این باشد که با جامعه پیوند برقرار کند مشارکت همه‌جانبه را افزایش بدهد (کد ۱۶). به نظر من با توجه به ارزش‌های اسلامی جامعه ما باید بصیرت، استقلال، آزادی و آزادگی، حق‌طلبی جز هدف‌های اصلی برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی باشد (کد ۱۳). تفکر انتقادی، مشارکت همه‌جانبه، مسئولیت‌پذیری، عدالت، میهن‌دوستی و قانون‌مداری باید اهداف برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی را شکل بدهد (کد ۵)
محتوی	<ul style="list-style-type: none"> چندبعدی و چندگانه بودن تعاملی و انتقادی تأکید بر مفاهیم سیاسی در قالب داستان، قصه و شعر توجه به تضاد علایق توجه فعالیت‌های گروهی استفاده از مباحث چالش‌برانگیز و نیازمند گفت‌وگو 	<ul style="list-style-type: none"> محتوی باید تعاملی و فعال باشد (کد ۷). سرودهای ملی و حماسی، پرچم ملی مورد تأکید واقع شود (کد ۱۶). نباید فقط معطوف به منابع نوشتاری یا شفاهی باشد، محتوی باید چندبعدی باشد (کد ۸). محتوی باید به زبان ساده و شیرین نوشته بشود شاید زبان قصه و داستان که درباره میهن و اسطوره‌های ملی میهنی است، بهتر می‌تواند به برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی کمک کند، حتی اشعار متناسب با سن بچه‌ها هم خیلی مناسبند (کد ۲۱). محتوی باید به شکلی انتقادی نوشته بشود (کد ۱۶). محتوا باید به تفاوت‌های فردی و علایق دانش‌آموزان از گروه‌های مختلف توجه کند (کد ۱۴).
راهبردهای یاددهی یادگیری	<ul style="list-style-type: none"> مشارکتی دانش‌آموز محور روش محاکم قضایی روش گفت‌وگو و مذاکره حضور مسئولین و مهمانان سیاسی در مدرسه و کلاس 	<ul style="list-style-type: none"> معلمان باید از راهبردهای مشارکتی و گروهی استفاده کنند و فرصت‌هایی برای اظهارنظر و خود اظهاری فراهم کنند (کد ۶). بهترین روش برای یادگیری مفاهیم سیاسی گفت‌وگو محور است. گفت‌وگو تقویت شود. در قالب گفت‌وگو بشود از مسئولین استفاده کرد خیلی بهتر خواهد بود (کد ۹). باید از روش‌هایی استفاده کرد که دانش‌آموز بازیگر اصلی صحنه باشد (کد ۱۴). روش‌هایی مانند محاکم قضایی و یا فعالیت گروهی می‌توانند در بهبود بعد سیاسی تربیتی دانش‌آموزان مفید باشد (کد ۱۱).
مواد و منابع آموزشی	<ul style="list-style-type: none"> استفاده از منابع متنوع عدالت در توزیع منابع وجود منابع متنوع و چندگانه دیداری، شنیداری و... 	<ul style="list-style-type: none"> برای برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی نمی‌شود فقط به کتاب یا یک منبع خاص تأکید کرد و باید مجموعه‌ای از ابزارهای صوتی و تصویری استفاده شود (کد ۵). برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی به دلیل ماهیت متنوع خود نیازمند استفاده از منابع متنوع و چندگانه است (کد ۷). دانش‌آموزان باید دسترسی آزاد و عادلانه‌ای به مواد آموزشی داشته باشند (کد ۱۸).
فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان	<ul style="list-style-type: none"> فعالیت دانش‌آموزان به‌عنوان پژوهش‌گران سیاسی خود انتقادی خود آغازی حساسیت نسبت به محیط پیرامون مشارکت در انتخابات مدرسه بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی 	<ul style="list-style-type: none"> فعالیت‌های دانش‌آموزان باید محور و اساس برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی باشد (کد ۱۷). دانش‌آموز باید روش علمی حل مسائل را یاد بگیرد و بداند هیچ چیز ثابت و مطلق نیست (کد ۲). باید تلاش کنیم دانش‌آموزان خودشان و معلمانشان را به شیوه صحیح نقد کنند اگر این فعالیت را خوب یاد بگیرند، کمک مهمی به رشد خود و جامعه کرده‌اند (کد ۶). باید دانش‌آموزان را آگاه و حساس نمود تا آن‌ها پیشگامان آگاهی باشند (کد ۲۰). تشویق دانش‌آموزان به شرکت در انتخابات مختلفی مثل شورای دانش‌آموزی، شهردار مدرسه و... می‌تواند کمک‌کننده باشد (کد ۳).

ویژگی‌های عناصر برنامه‌درسی سیاسی

جدول ۶. (ادامه)

عنصر	ویژگی‌ها	مصادیق مصاحبه‌ها
گروه‌بندی	<ul style="list-style-type: none"> توجه به دانش‌آموزان به حاشیه رانده شده تأکید بر مهارت‌های کار گروهی تیمی 	<ul style="list-style-type: none"> گروه‌بندی یک فعالیت سیاسی است (کد ۳) باید سعی کنیم افرادی که اعتماد به نفس پایینی دارند را به حرف بیاوریم و در گروه به آن‌ها کمک کنیم تا به حاشیه نروند (کد ۲۰). برای تقویت برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید کار تیمی و گروهی در اولویت باشد (کد ۵).
فضا	<ul style="list-style-type: none"> تزیین محیط با تصاویر ملی و حماسی وجود فضاهایی برای بحث و گفتگوهای سیاسی ایجاد فضای مثبت و قابل اعتماد برای طرح دیدگاه‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> مدرسه‌ایی که با تصاویر زیبا و اشعار مناسب یا تصویر پرچم ملی تزیین شده است، می‌تواند هم حس زیبایی‌شناسی بچه‌ها را تحریک کند و هم بینش‌های سیاسی بچه‌ها را بهبود ببخشد (کد ۱۷). مهم‌ترین نکته داشتن یک فضای قابل اعتماد و آزاد در مدرسه برای تبادل نظر و بحث‌های اجتماعی است (کد ۴). مدرسه باید یک سالن یا فضای سبز مناسب برای بحث و گفتگو داشته باشد که در این فضا قطعاً مباحث سیاسی هم مطرح می‌شود (کد ۱۸).
زمان	<ul style="list-style-type: none"> اختصاص زمان کافی، استفاده از فعالیت‌های فوق‌برنامه در جهت افزایش بعد تربیت سیاسی 	<ul style="list-style-type: none"> در فعالیت‌های فوق‌برنامه و جشن‌ها ملی مذهبی با یک رویکرد طنز محور و شاد، برنامه‌درسی تربیت سیاسی را تعمیق ببخشیم و بچه‌ها را به کشور و میهن علاقه‌مند کنیم (کد ۱). مدرسه زمانی را برای برنامه‌درسی تربیت سیاسی اختصاص بدهد، مراسم صبحگاه می‌تواند کمک کننده باشد به شرطی که افراط نباشد، البته این مقدار لازمه ولی کافی نیست (کد ۳).
ارزشیابی	<ul style="list-style-type: none"> خود ارزشیابی هم ارزشیابی ارزشیابی گروهی 	<ul style="list-style-type: none"> ارزشیابی باید به شکل گروهی باشد و دانش‌آموزان در دل تیم و گروه ارزشیابی بشوند (کد ۵) باید به دانش‌آموزان یاد بدهیم مسئول و متعهد باشند که نیاز است آن‌ها بتوانند خودشان، خودشان را ارزشیابی کنند (کد ۲۰). اگر بتوانیم به دانش‌آموزان یاد بدهیم خودشان و دوستان خود را منصفانه قضاوت کنند خیلی از مشکلات ما حل می‌شود (کد ۱۱).

بر اساس یافته‌های جدول (۶) ویژگی‌های عناصر ۹ گانه برنامه‌درسی تربیت سیاسی از منظر متخصصان بین شده است. اهداف برنامه‌درسی سیاسی شامل: افزایش قدرت اصلاح و انتقاد اجتماعی، افزایش سواد سیاسی، افزایش عدالت اجتماعی، افزایش قدرت انتخاب و بهبود مهارت‌های تصمیم‌گیری، افزایش حس میهن دوستی، تأکید بر بیدارگری و آگاه‌سازی، تأکید بر قانون مداری تأکید بر مسئولیت‌پذیری، تأکید بر استقلال تفکر انتقادی، تأکید بر جرات‌مندسازی و توانمندسازی، تأکید بر حق‌طلبی، تأکید بر بصیرت و تدبیر، تأکید بر آزادی و آزادگی، تأکید بر مشارکت همه‌جانبه می‌باشد. محتوی نیز باید شامل ویژگی‌هایی چون: چندبعدی و چندگانه، تعاملی و انتقادی باشد و بر مفاهیم سیاسی در قالب داستان، قصه و شعر، توجه به تضاد علایق، توجه فعالیت‌های گروهی و استفاده از مباحث چالش برانگیز و نیازمند گفتمان تأکید گردد. راهبردهای یاددهی یادگیری باید شامل راهبردهای مشارکتی، دانش‌آموز محور، محاکم قضایی و روش گفتمان و مذاکره باشد و با حضور مسئولین و

میهمانان سیاسی در مدرسه و کلاس فرصت اظهار نظر را برای دانش‌آموزان فراهم نماید. در عنصر مواد و منابع آموزش باید بر استفاده از منابع متنوع، عدالت در توزیع منابع و وجود منابع متکثر و چندگانه دیداری، شنیداری و... تأکید گردد. فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان باید بر خود انتقادی، خود آغازی، حساسیت نسبت به محیط پیرامون، فعالیت دانش‌آموزان به‌عنوان پژوهش‌گران سیاسی، مشارکت در انتخابات مدرسه و بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی تأکید کند. در گروه‌بندی نیز باید تلاش شود تا افراد با دیدگاه‌های مختلف در کنار هم قرار گیرند و با تأکید بر مهارت‌های کار گروهی و تیمی به دانش‌آموزان به حاشیه رانده شده و خجالتی و با اعتماد به نفس پایین توجه گردد. فضای آموزشی باید شامل ویژگی‌هایی همچون: تزئین محیط با تصاویر ملی و حماسی، وجود فضاهایی برای بحث و گفتگوهای سیاسی و ایجاد فضای مثبت و قابل اعتماد برای طرح دیدگاه‌ها باشد. با استفاده از رنگ‌ها و تصاویر ملی و حماسی تزئین شده و فضای مثبت و قابل اعتماد برای بحث و گفتگوی گروهی وجود داشته باشد. اختصاص زمان کافی برای پرداختن به برنامه‌درسی سیاسی و استفاده مطلوب از فعالیت‌های فوق‌برنامه در جهت افزایش برنامه‌درسی سیاسی باید از ویژگی‌های عنصر زمان در برنامه‌درسی سیاسی باشد. در نهایت ارزشیابی برنامه‌درسی سیاسی باید مبتنی بر خود ارزشیابی، هم ارزشیابی و ارزشیابی گروهی باشد.

■ **سؤال ۵:** درس‌های مورد توجه در برنامه‌درسی تربیت سیاسی ایران بر اساس ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کدامند؟

جدول ۷. درس‌هایی مورد توجه در برنامه‌درسی تربیت سیاسی و چرایی و چگونگی توجه به آن‌ها بر اساس مصاحبه با متخصصان

درس	چرایی	چگونگی	مصادیق مصاحبه‌ها
درس‌های مورد تأکید مطالعات اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> سواد سیاسی و بینش سیاسی و نگرش سیاسی و معرفی مصادیق عمل سیاسی 	<ul style="list-style-type: none"> از طریق معرفی تجارب گوناگون، پژوهش‌ها و نظریه‌ها سیاسی و گفتمان‌های انتقادی 	<ul style="list-style-type: none"> هدف مطالعات اجتماعی آموزش مهارت‌های اجتماعی و سیاسی و شهروندی زندگی است (کد ۱۱). برنامه‌درسی باید آگاهی‌بخش و رهایی ساز باشد (کد ۱۳). در برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید دانش‌ها و اطلاعات دانش‌آموزان را هم افزایش بدهیم تا شهروندانی آگاهی‌تربیت کنیم (کد ۱۱). مهارت‌هایی مثل تفکر انتقادی، نقد، پرسشگری و حل مسئله لازمه بلوغ سیاسی است (کد ۶). در این درس می‌توان نظریه‌های سیاسی صور گرفته را به زبانی ساده ارائه کرد (کد ۱۹). با رویکرد تلفیقی می‌توان در قالب یک مفهوم یا در قالب یک دوره تاریخی تمام مسائل سیاسی و اجتماعی و حتی جغرافیایی مرتبط را بیان کرد (کد ۱۴). این درس به دنبال آموزش مفاهیم و مهارت‌های زندگی شهروندی است (کد ۸)

جدول ۷. (ادامه)

درس	چرایی	چگونگی	مصادیق مصاحبه‌ها
تاریخ	<ul style="list-style-type: none"> توجه به هویت ملی از طریق معرفی زبان و مفاخر ملی 	<ul style="list-style-type: none"> از طریق داستان‌های حماسی و ملی از طریق اشعار و ابیات متناسب با شرایط سنی دانش‌آموزان 	<ul style="list-style-type: none"> در درس فارسی می‌شود محتوایی انتخاب کرد که اهداف برنامه‌درسی تربیت سیاسی و اجتماعی را محقق کند (کد ۹). در شرایطی که مسائلی مثل احترام به پرچم ملی، سرود ملی، میهن دوستی، استقلال و آزادی هم از اهمیت برخوردارند و هم به حاشیه کشیده می‌شود، داستان‌ها و اشعاری که چنین مضمونی دارند و بیان شیرین و ساده‌ای دارند می‌توانند خیلی کمک کننده باشند (کد ۱۲)
فلسفه	<ul style="list-style-type: none"> قابلیت ماده درسی در پرورش مهارت‌های تفکر سیاسی 	<ul style="list-style-type: none"> سوق دادن دانش‌آموزان به تربیت سیاسی در قالب موضوعات آزاد، واداشتن دانش‌آموزان به اظهار نظر 	<ul style="list-style-type: none"> انشا قابلیت فوق‌العاده‌ای برای تفکر و نوشتن درباره مسائل سیاسی دارد به شرطی که معلم شرایط را فراهم کند (کد ۷). همین‌که دانش‌آموز درباره یک موضوعی تفکر می‌کند و تفکرش را به قلم می‌آورد و در کلاس آن را ارائه می‌کند، فرصتی برای دیده شدن او فراهم می‌شود (کد ۹). در بخش موضوع آزاد فرصت خوبی برای تفکر درباره مسائل سیاسی و اجتماعی وجود دارند (کد ۱)
هنر	<ul style="list-style-type: none"> چندبعدی بودن، توجه به تعامل فرهنگی 	<ul style="list-style-type: none"> تلفیق مؤلفه‌ها و مهارت‌های تربیت سیاسی، موضوعات فرهنگی و هنری 	<ul style="list-style-type: none"> در درس فرهنگ و هنر می‌شود ضمن معرفی یک اثر هنری، مسائل سیاسی و اجتماعی مرتبط با آن اثر را هم بیان کرد که اتفاقاً بهتر یاد گرفته می‌شود (کد ۳). در بحث‌های فرهنگی، سواد فرهنگی دانش‌آموزان را از طریق مواجهه با خرده فرهنگ‌ها و تضادهای فرهنگی و هم‌چنین تعامل فرهنگی بهبود بخشید (کد ۱۴).

درس‌های مورد تأکید

۱۹۳

بر اساس یافته‌های جدول (۷) از دیدگاه متخصصان درس‌هایی که می‌توانند برای پرورش سواد و بینش سیاسی مناسب باشد شامل مطالعات اجتماعی، فارسی، انشا و فرهنگ و هنر می‌باشد. درس مطالعات اجتماعی که دربرگیرنده دروس تاریخ، جغرافیا و علوم اجتماعی است به دلیل توجه به سواد سیاسی، بینش سیاسی و نگرش سیاسی و معرفی مصادیق عمل سیاسی مورد تأکید واقع شد. استدلال متخصصان در زمینه درس فارسی، قابلیت‌های محتوایی این ماده درسی برای برنامه‌درسی سیاسی است که به پیدایش هویت ملی از طریق معرفی زبان رسمی و مفاخر و چهره‌های ملی می‌پردازد. در درس انشا نیز متخصصان معتقد بودند که با واداشتن دانش‌آموزان به اظهار نظر و بیان دیدگاه‌های خود پیرامون عناوین مرتبط با برنامه‌درسی سیاسی و هم‌چنین سوق دادن آن‌ها با اهتمام به موضوعات آزاد می‌توان به اهداف برنامه‌درسی سیاسی از طریق این درس نائل شد. در نهایت درس فرهنگ و هنر به دلیل چندبعدی بودن فرهنگ و هنر و قابلیت این ماده درسی در توجه به تعامل فرهنگی مورد تأکید متخصصان واقع شد.

با توجه به نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل سؤالات پژوهش، می توان مدل نهایی برنامه درسی تربیت سیاسی را به شرح زیر ترسیم نمود:



شکل ۱. مدل برنامه درسی تربیت سیاسی برای دانش آموزان دوره متوسطه اول بر اساس سند تحول بنیادین

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش ارائه مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی بر مبنای ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برای دانش‌آموزان دوره متوسطه اول بود. نتایج نشان داد که مبنای فلسفی برنامه‌درسی تربیت سیاسی بر مبنای ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین دوره متوسطه اول بر اساس نظر متخصصان رئالیسم اسلامی است که این یافته با نتایج پژوهش جعفری هرنندی و نجفی (۱۳۹۸) که نشان دادند بر اساس مبانی نظری سند تحول بنیادین، تربیت سیاسی باید برگرفته از مبانی فلسفی و ارزشی جامعه باشد و رویکرد فضیلت مدار مورد تأکید سند تحول بنیادین حاکی از اهمیت توجه به مسائل ارزشی و اخلاقی و لحاظ کردن آن‌ها در تربیت سیاسی است و رئالیسم اسلامی به عنوان مبنای فلسفی برنامه‌درسی تربیت سیاسی از بیشترین پتانسیل برای تحقق اهداف تربیت سیاسی بیان شده در سند تحول بنیادین همچون بصیرت و تعالی در زمینه سیاسی، حق محوری، عدالت‌گستری، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، وطن‌دوستی و نهادینه کردن ارزش‌های سیاسی در دانش‌آموزان برخوردار است و نتایج پژوهش‌های حمیدزاده و همکاران (۱۳۹۵) و خالقی‌نژاد، ملکی و حکیم‌زاده (۱۳۹۴) و (Guan, 2019) که نشان دادند مبنای فلسفی مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید برگرفته از مبانی دینی و فرهنگی هر جامعه باشد، هم‌خوانی داشته و با نتایج پژوهش (Ontas, Eguz and Yildirim, 2020) که بر عدم ارتباط بین مسائل فرهنگی و سیاسی با تربیت سیاسی تأکید دارد، هم‌خوانی نداشت. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت مقوله هستی‌شناسی رئالیسم اسلامی بر همه جنبه‌های تعلیم و تربیت تأثیر دارد، اما تأثیر مستقیم آن بر هدف‌های تربیتی است هدف غایی و نهایی تعلیم و تربیت بر اساس رئالیسم اسلامی قرب‌الی‌الله و پرورش عبد صالح است و این هدف والا و مهم، جهت هدف‌های کلی متوسط یا مرحله‌ای و اجرایی تعلیم و تربیت را تعیین می‌کند؛ لذا می‌توان گفت نظام تربیتی رئالیسم اسلامی «خدا محور» است و توحید (خدا محور) بر کل دستگاه تربیتی و جنبه‌های مختلف آن حاکم است (مطهری، ۱۳۷۱). هم‌چنین درک مفاهیم سیاسی و ارائه تحلیل‌های منطقی از رویدادها و مسائل سیاسی ریشه در مکتب فلسفی رئالیسم دارد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷)، بر این اساس اگر بپذیریم که

تربیت سیاسی همچون سایر ساحت‌های تربیتی جریانی هدفمند است که غایت آن هدایت فرد و جامعه در جهت مصالح دنیوی و اخروی است باید توحیدمحور بوده و به عبارت دیگر مبنای آن برگرفته از کلام الهی باشد (داوودی و فاضلی دهکردی، ۱۳۹۴) تا با ترکیب مبانی اسلامی با واقع‌گرایی به تربیت صحیح و منطقی سیاسی دانش‌آموزان جهت دهد. مبنای فلسفی برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید بر اساس آموزه‌های اسلامی به بنیان‌های معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی پردازد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷). به منظور تشریح بهتر مفهوم رئالیسم اسلامی به‌عنوان مبنای فلسفی برنامه‌درسی تربیت سیاسی می‌توان گفت که فیلسوفان اسلامی معتقدند غیر از جهان مادی، حقایقی وجود دارد که بهره آن‌ها از واقعیت کمتر از مادیات نیست و بلکه بیشتر و والاتر است. بالاترین موجود، وجود حق تعالی است که در عین مادی نبودن، واقعیت بخش هر امر واقعی است. در رئالیسم اسلامی، در عین اعتراف به وجود مادی، وجود غیرمادی و مجرد نیز ثابت می‌شود و وجود حق تعالی واجب الوجود و وجود با لذات تعریف می‌گردد که محور همه عالم است. از سوی دیگر مبانی تربیت سیاسی در پژوهش‌های مختلف مانند پژوهش حمیدزاده و همکاران (۱۳۹۵) شامل حق، فطرت، تعقل، هدایت و رحمت و در پژوهش داودی و فاضلی دهکردی (۱۳۹۴) شامل توحیدمحوری، عدالت محوری، استقلال و تأکید به امر به معروف و نهی از منکر است که بیانگر نقش مهم و اساسی اسلام در تدوین مبنای فلسفی برنامه‌درسی تربیت سیاسی دارد که در این پژوهش از منظر متخصصان رئالیسم اسلامی مبنای فلسفی برنامه‌درسی تربیت سیاسی را شکل می‌دهد. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد که در طراحی و تدوین برنامه‌درسی تربیت سیاسی به مبانی فلسفی رئالیسم اسلامی توجه شود.

نتایج نشان داد، نظریه مطلوب برنامه‌درسی تربیت سیاسی دوره متوسطه اول، نظریه تحول‌گرا است. نظریه تحول‌گرا، نه به دنبال تربیت افراد مطیع، بلکه به دنبال ساختن انسان‌های مسئول است. بر اساس این نظریه، مهم‌ترین هدف تربیت سیاسی می‌تواند ایجاد تحول در فرهنگ سیاسی و ایجاد خلق و خوی سیاسی جدید و ایجاد باورهایی در انسان باشد که علاوه بر اینکه به او در فهم مسائل سیاسی کمک می‌کند، او را به فردی دارای احساس مسئولیت اجتماعی تبدیل کند (رنجبر، ۱۳۸۷). این

یافته با نتایج پژوهش‌های (Li, 2017) و بذرگر و شهریاری (۱۳۹۹) و یوسف‌زاده چوسری (۱۳۹۶) هم‌خوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت این نظریه مبتنی بر فلسفه مسلط اجتماعی است که منجر به سواد و آگاهی‌های انتقادی می‌شود و در افراد نوعی حساسیت و بیداری نسبت به مسائل جامعه و محیط پیرامون ایجاد می‌کند و هم‌چنین دفاع از آزادی‌های مشروع و پرورش هویت جمعی و احترام به تضاد علایق را مورد تأکید قرار می‌دهد. در این نظریه با نگاهی انتقادی به تعلیم و تربیت به همه گروه‌ها و به‌ویژه گروه‌هایی که در حاشیه قرار گرفته‌اند توجه می‌شود و این افراد که به دلیل مسائل سیاسی، نژادپرستی و جنسیت‌گرایی (شکاری، احمدآبادی آرانی و فتاحی، ۱۳۹۳) در حاشیه قرار دارند با آموزش‌رهایی‌بخش مبتنی بر آگاهی انتقادی و کنش فرهنگی، بازگشت به شأن واقعی خود را جستجو می‌نماید. این نظریه به دنبال تربیت افراد به شکلی مسئول، انتقادی، خودآگاه و دارای فعالیت‌رهایی‌بخش است (قلتاش، ۱۳۹۱) و بر نقش بسیار مهم برنامه‌درسی پنهان در تربیت سیاسی دانش‌آموزان توجه می‌کند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که در بافت فیزیکی و اجتماعی مدارس فرصت‌های تعامل و ارتباط غیررسمی بین دانش‌آموزان و معلمان فراهم شود و در تدوین قوانین و مقررات و اجرای آن‌ها تا حد امکان مشوق‌هایی برای مشارکت بیشتر دانش‌آموزان در نظر گرفته شود.

نتایج پژوهش نشان داد در بخش ساختار مفهومی مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی، تربیت شهروندانی منتقد و مستقل، آگاهی و عمل آگاهانه، توانمندسازی و قدرت بخشیدن به دانش‌آموزان، حقوق شهروندی و آشنایی افراد با حقوق و مسئولیت‌ها، قانون‌مداری، قدرت انتخاب، مسئولیت‌پذیری، آزادی، میهن‌دوستی، دموکراسی، عدالت، استقلال و تفکر انتقادی، بازنگری در نقش مدرسه و ارتباط آن با جامعه و حکومت، برنامه‌درسی پنهان، حذف برخی از بدعت‌ها و توجه به ارزش‌های فرهنگی و اسلامی مورد تأکید است. این یافته با نتایج پژوهش وفایی و همکاران (۱۳۹۶) که در پژوهش خود نشان دادند در سند تحول بنیادین بر تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی، رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی، عدالت اجتماعی، درک و تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی، حفظ وحدت و تفاهم ملی در تربیت سیاسی تأکید شده و این

ساحت هرگونه استبداد و دیکتاتوری را نفی می‌کند و پژوهش یاری‌قلی و ضرغامی (۱۳۹۳) که بر عدالت به‌عنوان مفاهیم مورد توجه در تربیت سیاسی تأکید دارند و پژوهش‌های بزرگر و شهریاری (۱۳۹۹)، طباطبایی (۱۳۹۷) هم‌خوانی دارد. از موارد مهمی که در این مدل مورد تأکید واقع شده است توجه به نقش برنامه‌درسی پنهان در بهبود کیفیت تربیت سیاسی دانش‌آموزان می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش در بخش ساختار سازمان‌دهی مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی، مفاهیم برنامه‌درسی تربیت سیاسی به شیوه بین‌رشته‌ای و تلفیق در یادگیرندگان (وحدت در آموخته‌ها) سازمان‌دهی می‌شود تا کیفیت یادگیری مفاهیم در دانش‌آموزان بهبود یابد. این یافته با نتایج پژوهش جعفری ثانی، کرمی و پاک مهر (۱۳۹۲) که بر ضرورت تلفیق به شیوه بین‌رشته‌ای و تلفیق در یادگیرندگان به‌عنوان یکی از بهترین شیوه‌های تلفیق موضوعات علوم انسانی تأکید دارند، هم‌خوانی دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش در بخش ساختار نحوی مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی برای پژوهش درباره مسائل برنامه درس سیاسی استفاده از روش انتقادی رهایی‌بخش پیشنهاد می‌گردد. این یافته با نتایج پژوهش یوسف‌زاده چوسری (۱۳۹۶) که نشان داد باید روش پژوهش برنامه‌درسی تربیت سیاسی پدیدارشناسانه باشد، هم‌خوانی ندارد و با نتایج وفایی و همکاران (۱۳۹۶) و (Li, 2017) که نشان دادند برنامه‌درسی در عصر پست‌مدرن باید با نگاه انتقادی و با روش رهایی‌بخش به دنبال ایجاد جامعه‌ای آرمانی باشد، هم‌خوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که از آنجایی که از هدف اصلی برنامه‌درسی تربیت سیاسی، پرورش تفکر انتقادی، آگاهی بخشی و رهایی است، روش انتقادی رهایی‌بخش می‌تواند در تحقق این اهداف مفید باشد. با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌گردد که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، مفاهیم تربیت سیاسی را در قالب زندگینامه و شرح حال اسطوره‌ها و شخصیت‌های ملی و انقلابی در برنامه‌درسی با زبان قصه، داستان با شیوه تلفیقی ارائه نماید و بستر پژوهش‌های تفسیری و انتقادی پیرامون مباحث تربیت سیاسی را فراهم سازد

نتایج پژوهش درباره عناصر نه‌گانه برنامه‌درسی سیاسی بر مبنای ساحت تربیت اجتماعی - سیاسی سند تحول بنیادین نشان داد که اهداف مطلوب برنامه‌درسی

تربیت سیاسی شامل: افزایش قدرت اصلاح و انتقاد اجتماعی، افزایش سواد سیاسی، افزایش عدالت اجتماعی، افزایش قدرت انتخاب و بهبود مهارت‌های تصمیم‌گیری، افزایش حس میهن‌دوستی، تأکید بر بیدارگری و آگاه‌سازی، تأکید بر قانون‌مداری تأکید بر مسئولیت‌پذیری، تأکید بر استقلال تفکر انتقادی، تأکید بر جرات‌مندسازی و توانمندسازی، تأکید بر حق‌طلبی، تأکید بر بصیرت و تدبیر، تأکید بر آزادی و آزادگی، تأکید بر مشارکت همه‌جانبه می‌باشد. این یافته با نتایج پژوهش‌های نصیری (۱۳۹۲)، سلحشوری و همکاران (۱۳۹۱)، (Acosta, 2015) (Xu & Li, 2017) هم‌خوانی دارد و با پژوهش (Dill and Elliot, 2019) هم‌خوانی ندارد. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت که از آنجایی که نظریه انتقادی، با آگاه‌سازی کارگزاران، در تشخیص منافع و علایق حقیقی افراد، به آن‌ها یاری می‌رساند و نظریه نقادی ذاتاً ماهیت رهایی‌بخش دارد، یعنی کارگزاران را از قید نوعی اجبار و اضطراب که حداقل بخشی از آن خودخواسته و خود تحمیلی است، رها می‌کند. نتایج نشان داد، محتوی مطلوب برنامه‌درسی تربیت سیاسی نیز باید شامل ویژگی‌هایی چون: باید چندبعدی، چندگانه، تعاملی، مذاکره‌ای، انتقادی و مبتنی بر گفتمان‌های مختلف باشد و بر مفاهیم سیاسی در قالب داستان، قصه و شعر، توجه به تضاد علایق، توجه فعالیت‌های گروهی و استفاده از مباحث چالش برانگیز و نیازمند گفتمان تأکید نماید که این یافته با نتیجه پژوهش یوسف‌زاده چوسری (۱۳۹۶) که بر چندگانه بودن محتوی برنامه‌درسی تربیت سیاسی تأکید داشت و هم‌چنین پژوهش (Zhang, 2015) که بر انتقادی بودن محتوا تأکید دارد، هم‌خوانی دارد. پیشنهاد می‌گردد که در برنامه‌درسی فرصت خود اظهاری و گفتمان انتقادی برای دانش‌آموزان فراهم شود و مدرسه به جامعه کوچک دموکراتیک تبدیل شود و در آن بر مشارکت همه دانش‌آموزان از گروه‌های مختلف تأکید شود.

نتایج نشان داد راهبردهای یاددهی یادگیری در برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید شامل راهبردهای مشارکتی، دانش‌آموز محور، محاکم قضایی و روش گفتمان و مذاکره باشد. این یافته با نتایج پژوهش بذرگر و شهریاری (۱۳۹۹) و نصیری (۱۳۹۲) که بر استفاده از راهبردهای فعال و مشارکتی در آموزش و یادگیری تأکید دارد و پژوهش (Yu, 2013) و پژوهش (Li, 2017) که بر تدریس گفت‌وگو محور در

برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی تأکید دارد، هم‌خوانی دارد. همان‌طور که (Yu, 2013) بیان می‌کند روش‌های گفتگو محور و مشارکتی از پتانسیل بسیار بالایی برای تعمیق بخشید به دانش، نگرش و مهارت‌های سیاسی دانش‌آموزان دارد. با توجه به یافته پژوهش درباره کیفیت راهبردهای یاددهی یادگیری پیشنهاد می‌گردد که از راهبردهای یاددهی یادگیری مناسب با تربیت‌سیاسی مانند آموزش به شیوه محاکم قضایی و کار گروهی در مدارس از طریق تربیت‌معلمان با صلاحیت، کاهش تعداد دانش‌آموزان در کلاس و آگاه‌سازی اولیا مدرسه، بسترسازی شود. پیشنهاد می‌گردد که مهارت و توانایی معلمان در استفاده از راهبردهای یاددهی یادگیری مناسب تربیت‌سیاسی در پژوهشی مورد بررسی قرار گیرد.

نتایج نشان داد در بحث مواد و منابع آموزشی باید بر استفاده از منابع متنوع، عدالت در توزیع منابع و وجود منابع متکثر و چندگانه دیداری، شنیداری و... تأکید گردد. این یافته با نتایج پژوهش یوسف‌زاده چوسری (۱۳۹۶) و پژوهش (Wucheng and et al, 2016) که نشان دادند منابع آموزشی نقش تأثیرگذاری در برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی دارند، هم‌خوانی دارد. کثرت منابع سبب می‌شود تا دانش‌آموزان با تفاوت‌های فردی مختلف و بر اساس علایق خود به فعالیت بپردازند و ضمن کمک به مشارکت همه دانش‌آموزان، عدالت آموزشی نیز محقق می‌گردد. در عنصر فعالیت‌های یادگیری باید بر خود انتقادی، خود‌آغازی، حساسیت نسبت به محیط پیرامون، مشارکت و بهبود مهارت‌های تفکر انتقادی تأکید کند. این یافته با نتایج پژوهش (Li, 2017) که نشان داد تربیت‌سیاسی باید بر مشارکت فعال دانش‌آموزان و خود انتقادی تأکید کند، هم‌خوانی دارد. نتایج پژوهش نشان داد که در گروه‌بندی دانش‌آموزان در برنامه‌درسی تربیت‌سیاسی نیز باید تلاش شود تا افراد با دیدگاه‌های مختلف در کنار هم قرار گیرند و با تأکید بر مهارت‌های کار گروهی، به دانش‌آموزان به حاشیه رانده شده و خجالتی و با اعتمادبه‌نفس پایین توجه گردد. این یافته با پژوهش (صالحی، ۱۳۹۴) و (شکاری و همکاران، ۱۳۹۳) هم‌خوانی دارد. از منظر انتقادی تعلیم و تربیت در صدد ایجاد جامعه دموکراتیک مساوات خواه است که یکی از مهم‌ترین چالش‌های آن افراد به حاشیه رانده شده می‌باشند. نتایج پژوهش نشان داد که محیط و فضای آموزشی در

مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید با تصاویر ملی و حماسی آراسته شده و ضمن تحریک حس زیبایی‌شناسانه دانش‌آموزان، آن‌ها را به مدرسه، کشور و میهن خود علاقه‌مند کند. نتایج پژوهش نشان داد که در مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید زمان کافی برای پرداختن به برنامه‌درسی تربیت سیاسی در نظر گرفته شود و در این زمینه برنامه زمانی از انعطاف لازم برخوردار باشد و زمان کافی برای فعالیت‌های فوق‌برنامه در نظر گرفته شود. این یافته با نتایج پژوهش راکر، پلایر و کولمان (۱۹۹۹) که بر نقش مهم زمان و فعالیت‌های فوق‌برنامه در علاقه‌مند شدن دانش‌آموزان به فعالیت‌های سیاسی و یادگیری مهارت‌های تیمی تأکید دارند، هم‌خوانی دارد. بر این اساس پیشنهاد می‌گردد از تصاویر و نمادهای ملی - میهنی در طراحی و زیباسازی محیط‌های آموزشی استفاده شود و فعالیت‌های فوق‌برنامه، جشن‌های ملی در اعیاد و مناسبت‌های ملی با مشارکت دانش‌آموزان و به شکل باشکوه برگزار شود. در بعد ارزشیابی نتایج نشان داد که ارزشیابی برنامه‌درسی تربیت سیاسی باید مبتنی بر خود ارزشیابی، هم ارزشیابی و ارزشیابی گروهی باشد. این یافته با نتایج پژوهش یاری‌قلی و ضرغامی (۱۳۹۳) که نشان داد خود ارزشیابی می‌تواند موجب افزایش مسئولیت‌پذیری و تعهد دانش‌آموزان گردد، هم‌خوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که بر مبنای آموزه‌های دین اسلام باید فراگیران را طوری تربیت نمود که هرکس مسئولیت اعمال خود را بپذیرد و به خود محاسبه‌گری بپردازد و خودکنترلی داشته باشد و نیاز به کنترل بیرونی نداشته باشد. نتایج نشان داد که در مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی دروس مطالعات اجتماعی، فارسی، مهارت نوشتاری و فرهنگ و هنر می‌توانند به افزایش سواد، بینش و نگرش سیاسی دانش‌آموزان کمک کنند. این یافته با نتایج پژوهش حاجیانی، صالحی امیری و محمد ظاهری (۱۳۹۵) و پژوهش نادری و ابراهیمی (۱۳۹۱) که بر نقش مهم مطالعات اجتماعی در تربیت بعد ملی و سیاسی تأکید داشتند، هم‌خوانی دارد. در این دروس می‌توان با معرفی فعالیت‌های سیاسی، مفاخر و چهره‌های ملی، نظریه‌ها سیاسی و تشریح تاریخچه هویت ملی در قالب گفتمان‌های انتقادی و موضوعات آزاد و با استفاده از زبان قصه، طنز، داستان‌های حماسی و ملی و اشعار و ادبیات متناسب با شرایط سنی دانش‌آموزان، آن‌ها را به اظهار نظر و بیان دیدگاه‌های خود پیرامون عناوین

مرتبط با برنامه‌درسی تربیت سیاسی سوق داد.

به طور کلی می‌توان گفت، مدل برنامه‌درسی تربیت سیاسی با نگاهی جامع‌الاطراف باید به دنبال بهبود دانش، نگرش و توانش تحلیل‌های سیاسی دانش‌آموزان به‌عنوان شهروند مسئول و متعامل باشد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود که در مدارس فرصت‌های تعامل و ارتباط غیررسمی بین دانش‌آموزان و معلمان فراهم شود و در تدوین قوانین و مقررات و اجرای آن‌ها تا حد امکان مشوق‌هایی برای مشارکت بیشتر دانش‌آموزان در نظر گرفته شود. همانند اغلب پژوهش‌های کیفی، این پژوهش، با محدودیت‌هایی همچون عدم همکاری برخی از متخصصان و اعضا گره تألیف، مشکل هماهنگی جهت مصاحبه با متخصصان، رعایت برخی از ملاحظات در پاسخ به سؤالات با توجه به‌عنوان پژوهش اشاره نمود.

- احمدی، غلامعلی؛ عصاره، علیرضا و امینی زرین، علیرضا. (۱۳۹۷). تبیین مراحل تعلیم و تربیت سیاسی (گذرگاه سیاست‌پذیری) بر مبنای مراحل رشد شناختی با تأکید بر دوره‌های تحصیلی. *دانش سیاسی*، ۱۴ (۱): ۲۳-۶۰.
- احمدی، غلامعلی؛ عصاره، علیرضا؛ احمدی طباطبایی، محمدرضا و امینی زرین، علیرضا. (۱۳۹۷). طراحی الگوی پیشنهادی برنامه‌درسی آموزش سواد سیاسی در دوره متوسطه اول. *مطالعات برنامه‌درسی*، ۱۳ (۴۹): ۵-۵۶.
- افتخاری، اصغر و مهجور، حمید. (۱۳۹۵). الگوی تربیت سیاسی از دیدگاه شهید مطهری (ره). *رهیافت/انقلاب اسلامی*، ۱۰ (۳۶): ۷۷-۹۸.
- بذرگر، رضوان و شهریار، اصغر. (۱۳۹۹). نقش مدارس در تربیت شهروند فعال. *دستاورد‌های نوین در مطالعات علوم انسانی*، ۳ (۲۴): ۹۲-۱۰۴.
- پاک‌مهر، حمیده؛ امین خندقی، مقصود؛ قنذیلی، سید جواد و سعیدی رضوانی، محمود. (۱۳۹۶). ماهیت گفتمان‌سازی آموزه‌های انقلاب اسلامی و ویژگی‌های آن در برنامه‌های درسی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲ (۳): ۷-۴۰.
- جراحی دربان، مهدی؛ بابازاده، مجید و رودمقدس، رمضانعلی. (۱۳۹۳). مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی در اسلام از منظر قرآن. *فصلنامه علمی بصیرت و تربیت اسلامی*، ۱۱ (۳۱): ۹۵-۱۲۱.
- جعفری ثانی، حسین؛ کرمی، مرتضی و پاک‌مهر، حمیده. (۱۳۹۲). شناسایی الگوی تلفیق برنامه‌درسی علوم انسانی و فاصله آن با وضعیت مورد انتظار دانشجویان، بر اساس دیدگاه فوگارتی. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۵ (۴): ۱۳۴-۱۱۹.
- جعفری هرنندی، رضا و نجفی، حسن. (۱۳۹۸). تربیت اجتماعی و سیاسی به روایت کتاب‌های درسی دوره دوم متوسطه نظری ایران. *مطالعات برنامه‌درسی*، ۱۴ (۵۲): ۱۵۹-۱۸۴.
- حاج‌حسینی، منصوره و مهران، گلنار. (۱۳۹۰). ویگوتسکی و فریره در آموزش مبتنی بر گفت‌وگو. *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۱ (۲): ۲۱-۳۸.
- حاجیان، ابراهیم؛ صالحی امیری، سید رضا و محمد ظاهری، حمید. (۱۳۹۵). تحلیل محتوای مقایسه‌ای کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه هفتم دوره متوسطه اول (۱۳۹۳) و کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی پایه اول راهنمایی تحصیلی سابق (۱۳۹۰) از منظر هویت ملی. *پژوهش‌های کیفی در برنامه‌درسی*، ۱ (۲): ۱۶۵-۱۴۵.
- حمیدزاده، محمدصادق؛ ملکی، حسن؛ بهشتی، سعید. (۱۳۹۵). مبانی قرآنی معرفت‌شناسی برنامه‌درسی تربیت سیاسی. *مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی*، ۴ (۹): ۷۴-۴۹.
- خالقی‌نژاد، سید علی؛ ملکی، حسن و حکیم زاده، رضوان. (۱۳۹۴). نقد دیدگاه پست‌مدرنیسم در برنامه‌درسی با شاخص‌های مبانی فلسفی تربیت اسلامی. *پژوهش‌های کیفی در برنامه‌درسی*، ۱ (۱): ۶۰-۴۱.
- داودی، محمد و فاضلی دهکردی، مهدی. (۱۳۹۴). بررسی اهداف تربیت سیاسی در قرآن، با تأکید بر مبانی و اصول تربیتی. *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ۱ (۲): ۱۹-۴۰.
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، مصوبه آذرماه ۱۳۹۰. تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.

رضوی، عباس. (۱۳۸۹). طراحی الگوی مطلوب برنامه‌ریزی درسی در خصوص تربیت سیاسی در دوره ابتدایی، رساله دکتری، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی (ره).

رنجبر، مقصود. (۱۳۸۷). تربیت سیاسی در چارچوب نظام‌های سیاسی و نظریه‌های مختلف. *فصلنامه راه‌تربیت*، ۳.

(۵): ۱۷۶-۱۵۵.

رهنما، اکبر و سبحانی نژاد، مهدی و علیین، حمید. (۱۳۸۷). بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه. *دوماهنامه دانشور رفتار*. ۱۵(۳۰): ۱-۲۸.

سبحانی نژاد، مهدی؛ نجفی، حسن و نورآبادی، سولماز. (۱۳۹۶). مفهوم تعالی و نقد وضعیت موجود آن در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران. *مطالعات ملی*. ۱۸(۲): ۲۵-۴۴.

سلحشوری، احمد؛ یداللهی فر، محمدجواد و خنکدار طارسی، معصومه. (۱۳۹۱). مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره). *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*. ۲(۵): ۱۱۱-۱۲۶.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (شورای عالی آموزش و پرورش). شکاری، عباس؛ احمدآبادی آرانی، نجمه؛ فتاحی، ندا. (۱۳۹۳). تعلیم و تربیت مرزی با تأکید بر دلالت‌های تربیتی هنری ژيرو در تحولات تربیتی. *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*. ۴(۱): ۱۵۰-۱۳۱.

شمس‌الدینی نژاد، سعید. (۱۳۹۱). بررسی میزان موفقیت آموزش و پرورش در تربیت شهروندی دانش‌آموزان از دیدگاه مدیران و دبیران مقطع متوسطه شهر کرمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

صالحی، اکبر. (۱۳۹۴). تبیین نظریه انتقادی هنری ژيرو و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت. *ارزش‌شناسی در آموزش (فلسفه تعلیم و تربیت سابق)*. ۱(۱): ۹۵-۸۱.

طباطبایی، مینو. (۱۳۹۷). بررسی مؤلفه‌های تربیت سیاسی در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی. *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. ۲۶(۴۰): ۱۱۹-۱۳۵.

الف لوی. (۱۳۹۸). مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ریزی درسی مدارس. ترجمه فریده مشایخ. تهران: نشر منادی تربیت.

فضل‌علی‌زاده، رضا و باقر زاده خدا شهری، فروغ. (۱۳۹۵). بررسی و مقایسه عناصر برنامه‌درسی و مؤلفه‌های یاددهی یادگیری از دیدگاه پائولو فریره و هنری ژيرو. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار)*. ۱۳(۲): ۸۱-۹۵.

قلتاش، عباس. (۱۳۹۱). مبانی اجتماعی و سیاسی تعلیم و تربیت: بررسی تطبیقی رویکردها و دیدگاه‌های تربیت شهروندی، *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*. ۲(۱): ۶۴-۴۷.

کریمی؛ فریبا و فکری، سعیده. (۱۳۹۲). سنجش مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان پایه اول متوسطه. *نشریه علمی آموزش و ارزشیابی*. ۶(۲۲): ۷۳-۸۵.

گال، مردیت، بورگ، والتر و گال، جویس. (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (ترجمه احمدرضا نصر و همکاران)، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.

محمد جانی، فرزاد؛ سعادت‌مند، زهره و کشتی آرای، نرگس. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کتاب‌های آموزشی دوره ابتدایی بر مبنای مؤلفه‌های آموزش جهانی. *نشریه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی*. ۱(۲): ۶۶-۵۲.

محمدی پویا (بیجنوند)، فرامرز؛ صالحی، اکبر و مومیوند، فاطمه. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای نهج البلاغه بر اساس ساحت‌های شش‌گانه‌ی تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. *فصلنامه پژوهش‌نامه نهج البلاغه*. ۳(۱۰): ۸۱-۶۳.

مرزوقی، رحمت‌الله. (۱۳۸۴). تربیت مدنی از دیدگاه اسلام: رویکردی به پرورش سیاسی. *دو فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی*. ۱(۱): ۹۳-۱۰۸.

مسعودیان، پریسا و بهشتی، سعید. (۱۳۹۲). بررسی اهداف و اصول و روش‌های تربیت سیاسی بر مبنای نهج البلاغه. *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. ۲۰(۱۷): ۷-۲۵.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۱). تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.

نادری، عزت‌اله و ابراهیمی، اکبر. (۱۳۹۱). بررسی رابطه برنامه درسی مطالعات اجتماعی با تربیت اجتماعی دانش‌آموزان پایه اول دوره متوسطه در شهرستان‌های استان تهران. *پژوهش اجتماعی*. ۵(۱۶): ۳۳-۱۵.

- نصیری، نسرین. (۱۳۹۲). تربیت سیاسی در نهج البلاغه. پایان نامه. کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- وفایی، رضا؛ فضل الهی قمشی، سیف اله و طالعی فرد احمد. (۱۳۹۶). بررسی میزان توجه به ساحت های شش گانه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در کتاب های درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی. ۲ (۲): ۱۳۱-۱۵۴.
- یاری قلی، بهبود و ضرغامی، سعید. (۱۳۹۳). بررسی امکان بهره گیری از عدالت تربیتی برآمده از نظریه عدالت جان رالز در نظام های آموزشی: رویکرد هرمنوتیک انتقادی. نوآوری های آموزشی. ۱۰ (۵۰): ۱۰۰-۱۲۳.
- یوسفزاده چوسری، محمدرضا. (۱۳۹۶). برنامه درسی به عنوان یک گفتمان سیاسی. دانشنامه ایرانی برنامه درسی: ۶-۱.
- Acosta, C., (2015), *The Impact of Humanizing Pedagogies and Curriculum Upon the Identities, Civic Engagement, and Political Activism of Chican Youth*, Doctoral dissertation, the University of Arizona.
- Adamu, A., Evuti, S. M., & Fadeyi, T. J., (2016), «The Role of Political Education in the Sustenance of Democracy in Nigeria», *International Journal of Humanities & Social Science Studies (IJHSSS)*, A Peer- Reviewed Bi- monthly Bi- lingual Research Journal, pp 339- 347.
- Almond, G. A. & Verba, S. (2015). *The civic culture: Political attitudes and democracy in five nations*. Princeton university press.
- Becker, A., Dewet, A., & Van Vollenhoven, W. (2015). Human rights literacy: Moving towards rights- based education and transformative action through understandings of dignity, equality and freedom. *South African Journal of Education*, 35(2), 1044.
- Chao, M. E. N. (2017). Function of Ideological and Political Education in Mass Incidents. *DEStech Transactions on Social Science, Education and Human Science*, (mess).
- Dan, N. I. E. (2016). Analysis of the Effectiveness of the Discourse Power of Ideological and Political Education. *Journal of the Party School of Shengli Oilfield*, 6, 030.
- Dill, J. S., & Elliot, M. (2019). The Private Voice: Homeschooling, Hannah Arendt, and Political Education. *Peabody Journal of Education*, 94(3), 263- 280.
- Fournier- Sylvester, N. (2014). A/Political education: A survey of Quebec students' perceptions of their citizenship education. *Canadian Journal of Education*, 37(3), 1.
- Giroux, H. (2017). Critical Higher Education: Rethinking Higher Education as a Democratic Public Sphere. *Encyclopedia of International Higher Education Systems and Institutions*, 1- 3.
- Guan, J. (2019, March). Research on the Way of Integrating Chinese Excellent Traditional Culture into the Ideological and Political Education in Colleges and Universities. In 2018 8th International Conference on Education and Management (ICEM 2018). Atlantis Press.
- Li, Y. (2017). Dialogue—The Understanding Model of Modern Ideological and Political Education. *DEStech Transactions on Social Science, Education and Human Science*, (mess).
- Mitchell, T. D., & Coll, K. M. (2017). Ethnic Studies as a Site for Political Education: Critical Service Learning and the California Domestic Worker Bill of Rights. *PS: Political Science & Politics*, 50(1), 187- 192.
- Neundorf, A., Niemi, R. G., & Smets, K. (2016). The compensation effect of civic education on political engagement: how civics classes make up for missing parental socialization. *Political Behavior*, 38(4), 921- 949.
- Nilgun, D. A. G., Sozer, M. A., & Burcu, S. E. L. (2015). Political education in school.

- Educational Research and Reviews*, 10(14), 1881- 1887.
- Null, Wesley. (2011). Curriculum from Theory to Practice, Rowman & Littlefield Publishers, INC, Lanham • Boulder • New York • Toronto • Plymouth, UK.
- Olson, M., Fejes, A., Dahlstedt, M., & Nicoll, K. (2014). Citizenship discourses: production and curriculum. *British Journal of Sociology of Education*, (ahead- of- print), 1- 18.
- ONTAS, T., EGUZ, S., & YILDIRIM, E. (2020). Reflections of Political Education on Primary Education Classes. *International Online Journal of Educational Sciences*, 12(2).
- Predescu, M & Darjan, I (2010), «Promoting Political Participation Through adult Education», *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, pp.3241° 3245.
- Qian, Z. W. (2017). Plural Society Thought Trends' Challenge and Responses on Ideological and Political Education in Colleges. *DEStech Transactions on Social Science, Education and Human Science*, (mess).
- Smit, M. H., & Oosthuizen, I. J. (2011). Improving school governance through participative democracy and the law. *South African Journal of Education*, 31(1), 55- 73.
- Sun, P. (2014). Using Blogs as a Support to Ideological and Political Education. *Journal of Arts and Humanities*, 3(8), 109- 113.
- Thomas, T. K. C. (2005). Civic and political education. In *Education and Society in Hong Kong and Macao* (pp. 175- 200). Springer Netherlands.
- Tu, D. (2011). In career guidance for College Students Ideological and political education content and the feature. *Party building*, 6 (fall): 67- 69.
- Wucheng, Y., Ling, C., Qingdao, S., & Fan, L. (2016). Exploration of New Methods of Ideological and Political Education for College Students: Integration of New Media and Construction of Micro- environment. In *The Fifth International Conference on E- Learning and E- Technologies in Education (ICEEE2016)* (p. 77).
- Xu, Y., & Li, S. (2017). On Ideological and Political Education and the Cultivation of Human Creativity. *DEStech Transactions on Social Science, Education and Human Science*, (icsste).
- Xue, B. (2013). Research on Ideological and Political Education Model of College Based on Innovative Mechanisms. *International Journal of Digital Content Technology and its Applications (JDCTA)*. 7 (7), 207- 215.
- Yu, S. (2017). A Study on College Students' Ideological and Political Education from the Perspective of System Harmony and Traditional Culture. *DEStech Transactions on Social Science, Education and Human Science*, (icsste).
- Zhang, Y. (2015). Study on Implicit Ideological and Political Education Theory and Reform in Higher Vocational Colleges. *Open Journal of Philosophy*, 5(05), 297.
- Zhu, J. (2014). Research on the Effectiveness of Political Education Based on Principles and Methods of Structural Equation. In *2nd International Conference on Soft Computing in Information Communication Technology*. Atlantis Press.